

سیاست تجاری کشاورزی ایران و تعیین معادل تعرفه‌ای واردات محصولات آن

میرعبدا... حسینی *

سیاست تجاری / معادل تعرفه‌ای / موانع تجاری غیر تعرفه‌ای / برنامه توسعه / کشاورزی ایران

چکیده

اصلاحاتی که در سیاست تجاری کشاورزی ایران و در برنامه سوم توسعه صورت گرفته، در دو دهه گذشته کم سابقه بوده است. مقاله حاضر ابتدا تلاش دارد عملکرد گذشته و موجود سیاست تجاری کشاورزی ایران را مطالعه نماید و آنگاه در شرایط برچیده شدن کلیه موانع و محدودیت‌های تجاری غیر تعرفه‌ای، اینکه چه معادل تعرفه‌ای می‌بایستی جایگزین شود را تحلیل نماید. بدین منظور، این مقاله ابتدا مطالعه‌ای جامع از سیاست تجاری کشاورزی ایران در ابعاد مختلف در گذشته و حال بدست می‌دهد و سپس روند و تجربه سیاست تجاری کشاورزی در مقیاس جهانی بیان می‌شود و آنگاه نتایج تحقیق برای دوره زمانی ۸۰-۱۳۶۸ با روش تحقیق استفاده شده در مذاکرات تجاری دور اروگوئه ارائه می‌شود و در نهایت مباحث ارائه شده در مقاله، مورد جمع‌بندی قرار گرفته و با ارائه پیشنهادها خاتمه می‌یابد.

مقدمه

طی چند دهه اخیر، بکارگیری استراتژی جایگزینی واردات در ایران، به پشتوانه درآمدهای ارزی سرشار نفتی، موجب استفاده وسیع از سیاست‌های حمایتی در ابعاد، اشکال و انواع مختلف آن شده است و این امر در سالهای بعد از انقلاب به سبب بروز جنگ ۸ ساله و شرایط خاص حاکم بر آن دوره شدت یافت. در این میان، سیاست تجاری حمایتی در شکل برقراری تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای به نحو چشمگیری در بازرگانی خارجی ایران به اجرا درآمد. در پی آن، موقعیت رقابت بین‌المللی و شاخص آزادی اقتصادی ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان کاهش یافت. البته در چند سال اخیر اصلاحات سیاستی و اقتصادی انجام شده، موقعیت رقابتی کشور را اندکی بهبود داده است. در این بین، بسیاری از کشورها، نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف ایجاد شفافیت در نظام قیمت‌ها، در صدد حذف موانع تجاری غیرتعرفه‌ای و کاهش چشمگیر موانع تعرفه‌ای بر آمده‌اند. ج.ا.ایران نیز حرکت به سوی اصلاح سیاست تجاری حمایتی موجود را با در نظر گرفتن فضای حاکم بر اقتصاد جهانی شروع کرده و در این زمینه گام‌های مهمی برداشته که برای نمونه می‌توان به برنامه‌ها، سیاست‌ها و تصمیمات دولت در تک نرخی کردن ارز، حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به معادل‌های تعرفه‌ای (مطابق ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم)، انجام اقداماتی در جهت عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO) و... اشاره کرد که این اقدامات را می‌توان در راستای تغییر جهت استراتژی کلان کشور از سیاست جایگزینی واردات به استراتژی توسعه صادرات و همگرایی بیشتر با اقتصاد جهانی قلمداد کرد.

اصلاح سیاست تجاری کشور به منظور فراهم آوردن فضای رقابتی برای بخش‌های مختلف اقتصاد، از جمله کشاورزی است. این اصلاح سیاستی در حالی صورت می‌پذیرد که کشاورزی ایران سالیان درازی تحت تأثیر سیاست تجاری، ارزی، قیمتی و... بعضاً متناقض حمایتی و تبعیضی بوده و این از طریق موانع غیرتعرفه‌ای، تعرفه‌های بالا، نرخ‌های چندگانه ارز، یارانه نهاده‌ای و... صورت پذیرفته است. با توجه به ساختار قیمتی موجود که توأم با

اختلالات شدید می‌باشد و در عین حال وجود انواع حمایت‌ها از کشاورزی از یک سو و برخی محدودیت‌ها و تنظیم قیمت‌ها از سوی دیگر، مشخص نیست که آیا از کشاورزی در واقع حمایتی به عمل می‌آید یا نه؟ و میزان حمایت واقعی از این بخش در چه حدی است؟ حال که اصلاحات اقتصادی و سیاستی بویژه در بخش بازرگانی خارجی کشور در شرف تکوین می‌باشد، به عنوان اولین قدم‌ها، این سؤالات قابل طرح می‌باشد که آیا سیاست تجاری کشاورزی ایران همسو با فرآیند جهانی شدن بوده است؟ و اگر کلیه موانع تجاری غیرتعرفه‌ای حمایتی موجود بر واردات محصولات کشاورزی ایران برداشته شود، چه تغییری در سطوح فعلی تعرفه‌ها باید صورت داد تا در ابتدا میزان حمایت از تولیدات داخلی در همان وضع قبلی برقرار شود؟ بدین منظور لازم است نرخ‌های تعرفه معادل کلیه موانع غیرتعرفه‌ای حمایتی واردات محصولات کشاورزی، برآورد شود. اطلاعات آماری تحقیق حاضر از نشریات نهادهای متولی تولید آمار نظیر گمرک، مرکز آمار، بانک مرکزی، اداره کل آمار و اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی و سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (FAO) استخراج شده است.

با این پیش درآمد، مقاله حاضر در تلاش است ابتدا تحلیلی جامع از سیاست تجاری کشاورزی ایران در ابعاد مختلف اعم از قلمرو موانع تجاری تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در گذشته و حال به دست دهد و سپس روند و تجربه سیاست تجاری در مقیاس جهانی ارائه دهد و آنگاه میزان تعرفه‌های معادل محصولات کشاورزی مبادله‌ای ایران برای دوره زمانی ۸۰ - ۱۳۶۸ با روش تحقیق استفاده شده در مذاکرات تجاری دور اروگوئه ارائه و در پایان مباحث ارائه شده، جمع‌بندی و پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌شود.

۱. مفاهیم، تعاریف و کلیاتی از چارچوب نظری سیاست تجاری

با وجودی که تجارت آزاد رفاه جهانی را حداکثر می‌کند و دلایلی قوی برله برقراری تجارت آزاد ارائه شده، باز هم بسیاری از کشورها، انواع محدودیت‌های تجاری^۱ را وضع

۱. محدودیت‌های تجاری بطور کلی شامل محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است. مهمترین نوع محدودیت تجاری، تعرفه است.

می‌کنند. به همین دلیل همچنان اعمال موانع تجاری در جهان معمول و رایج است. در مقابل دلایل مدافعان تجارت آزاد، دلایل متعددی از سوی طرفداران سیاست تجاری ارائه شده که عبارت از حمایت از صنایع نوزاد (نوپا)، منشأ درآمد برای دولت، بهبود رابطه مبادله، مبارزه با دامپینگ^۱، امنیت ملی، بهبود وضعیت اشتغال و ترازپرداخت‌ها، حمایت از مواد غذایی اساسی و غیره است.

تجزیه و تحلیل تعادل جزئی وضع تعرفه با استفاده از منحنی‌های عرضه و تقاضای کالای جانشین واردات انجام می‌شود، با این فرض که قیمت داخلی این کالا در اثر وضع تعرفه افزایش یابد. با تحلیل تعادل جزئی می‌توان اثر وضع تعرفه را بر کاهش مصرف داخلی، افزایش تولید داخلی، کاهش واردات، درآمد دولت (ناشی از درآمد گمرکات) و توزیع مجدد درآمد بین مصرف‌کنندگان داخلی (کسانیکه پس از وضع تعرفه قیمت بالاتری را برای کالا می‌پردازند) و تولیدکنندگان داخلی (کسانیکه پس از وضع تعرفه قیمت بالاتری را دریافت می‌کنند) مورد بررسی قرار داد. وضع تعرفه منجر به بروز عدم کارایی‌هایی می‌شود که از آن تحت نام "هزینه حمایتی تعرفه" یا "هزینه‌های سوخت شده" و یا "زیان از دست رفته"^۲ یاد می‌شود.

وقتی یک کشور کوچک بر واردات، تعرفه وضع می‌کند قیمت داخلی کالای جانشین واردات برای مصرف‌کننده آن کشور به اندازه مقدار تعرفه افزایش می‌یابد. در نتیجه تولید داخلی کالاهای جانشین واردات افزایش یافته و مصرف داخلی و واردات کاهش می‌یابد. به هر حال کشور با همان قیمت قبلی در بازارهای جهانی مواجه است؛ زیرا کشور وضع‌کننده تعرفه درآمدهای حاصله را دریافت می‌کند. آثار مربوط به اثرات تعادل عمومی تعرفه را با گسترش الگوهای تجارت و با این فرض که، درآمد جمع‌آوری شده از محل تعرفه، مجدداً بین شهروندان به صورت یارانه یا معافیت مالیات توزیع می‌شود، می‌توان بررسی کرد. براساس قضیه استالپر-ساموئلسون هر افزایش در قیمت نسبی یک کالا در اثر وضع تعرفه باعث افزایش بازده یا درآمد عاملی که در تولید بیشتر استفاده

1. Dumping

2. Dead Weight Loss

می‌شود، خواهد شد.^۱

در محدودیت‌های تجاری غیر تعرفه‌ای^۲ بخصوص محدودیت‌های سهمیه‌ای، بجای آنکه دولت مستقیماً کالاهای وارداتی تعرفه وضع نماید، در مقدار آنها محدودیت ایجاد می‌کند سهمیه‌بندی واردات همان آثار مصرفی و تولیدی تعرفه گمرکی بر واردات را دارد. چنانچه دولت از طریق یک بازار رقابتی توزیع "مجوزهای واردات" را به حراج گذارد، اثر درآمدی سهمیه‌بندی مشابه آثار تعرفه گمرکی است. با وضع سهمیه واردات منحنی‌های عرضه و تقاضا انتقال یافته و قیمت داخلی تغییر می‌کند ولی با وضع تعرفه، مقدار واردات تغییر خواهد کرد. چنانچه دولت مجوزهای واردات را در یک بازار رقابتی به حراج نگذارد، بنگاههایی که چنین مجوزهایی را دریافت می‌کنند یک سود انحصاری بدست می‌آورند و احتمال ایجاد فساد در جامعه به وجود می‌آید.

نظریه گمراه‌کننده که وضع تعرفه‌ها جهت حمایت از نیروی کار داخلی در مقابل نیروی کار ارزان خارجی را ضروری می‌داند، نظریه تعرفه معتبری نیست. دو نتیجه‌گیری مهم از نظریه "سیاست غنی‌شدن به بهای فقیر شدن همسایه"، کاهش بیکاری در داخل کشور و بهبود کسری تراز پرداختهاست. یک نظریه معتبر در زمینه حمایت، نظریه صنایع نوپاست، و جدا از آثار محدودیت تجاری، یارانه‌های مستقیم و مالیات‌ها اثر بیشتری در بهبود اختلالات خالص داخلی دارند. همین مسئله برای صنایع مرتبط با دفاع ملی صادق است. معتبرترین نظریه در مبحث حمایت "تعرفه بهینه" (که احتمالاً باعث تلافی و مقابله به

۱. معیار مناسب جهت اندازه‌گیری درجه حمایت از تولیدکنندگان داخلی، همان نرخ تعرفه مؤثر حمایتی است که تأثیر کلی ساختار تعرفه‌ای را بر هر صنعت در کشور اندازه‌گیری می‌کند. از موارد مهم استفاده نرخ تعرفه مؤثر "تخصیص منابع" است که سبب می‌شود منابع از صنایع با نرخ حمایت مؤثر کم به صنایع با نرخ مؤثر بالا انتقال یابد نرخ تعرفه مؤثر حمایتی با نرخ تعرفه اسمی تفاوت بسیار زیادی دارد و نرخ تعرفه اسمی نمی‌تواند نشانگر سطح حمایت از تولیدات و تولیدکننده باشد در حالی که نرخ تعرفه مؤثر از چنین قابلیت برخوردار است.

۲. اقسام آن عبارتند از سهمیه‌های تعرفه‌ای، سهمیه‌های وارداتی یک جانبه، پروانه (مجوز) واردات، سهمیه‌های دو جانبه و ترکیبی، سهمیه‌بندی، محدودیت مقداری مستقیم (QRs) مربوط به مقدار مجاز واردات یا صادرات است.

مثل می‌شود) و سیاست استراتژیک تجاری است (البته ادامهٔ این سیاست بسیار مشکل است).

والتر در تعریفی گسترده هر اقدامی را که حجم و جهت تجارت را مختل کند مانع غیرتعرفه‌ای می‌نامد.^۱ این تعریف به قدری گسترده است که حتی تعرفه را نیز در بر می‌گیرد، زیرا تعرفه نیز حجم تجارت را مختل می‌سازد. بدون شک چنین تعریفی از موانع غیرتعرفه‌ای، مورد نظر طرف‌های مذاکره‌کننده در دور اوروگوئه نبوده است. بالدوین در تعریف دقیقتری، توجه خود را به درآمد حقیقی معطوف می‌کند. او مانع غیرتعرفه‌ای را چنین تعریف می‌کند: هر اقدامی که با تخصیص مجدد منابع و کالاها باعث کاهش درآمد حقیقی جهانی شود به منزله یک مانع غیرتعرفه‌ای تلقی می‌گردد.^۲ اما می‌توان گفت که دقیقترین تعریف را در این زمینه هیلمن ارائه داده است؛ او هر اقدام دولتی را به جز تعرفه که مستقیماً مانع ورود کالا به یک کشور شود، یا به صورت تبعیض‌آمیز در مورد کالاها و وارداتی عمل کند، مانع غیرتعرفه‌ای می‌داند.^۳ تعریف هیلمن دو بخش به نسبت جدا دارد: بخش اول مربوط به سیاست‌هایی است که مانع ورود کالا به یک کشور می‌شود و تقریباً هم راستا با تعریف والتر است، با این تفاوت که هیلمن با تأکید بر دولتی بودن اقدامات غیرتعرفه‌ای دامنه شمول محدودتری را مورد توجه قرار می‌دهد. بخش دوم این تعریف، عنصر جدیدی را برای شناسایی موانع غیرتعرفه‌ای معرفی می‌کند و آن رفتار تبعیض‌آمیز بوده است.

۲. سیاست تجاری کشاورزی ایران

بررسی سیاست تجاری (موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای) بازرگانی خارجی ایران نشان می‌دهد که در قبل از پیروزی انقلاب- علی‌رغم وجود قانون انحصار تجارت خارجی- دست بخش خصوصی در واردات و صادرات عملاً آزاد گذاشته شده بود. طی سالهای ۱۳۳۹-۵۷ متوسط نرخ تعرفه دریافتی از کل واردات ۱۵/۹ درصد بود، که در سالهای

1. Walter (1972)
2. Baldwin (1970)
3. Hillman (1991)

۶۹-۱۳۵۸، به ۳۰ درصد افزایش یافت. این افزایش نشان می‌دهد که بازرگانی خارجی بیش از پیش در دست دولت متمرکز شد و محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای نیز افزایش یافت.

۲-۱. سیاست تجاری کشاورزی در برنامه اول توسعه

اولین برنامه توسعه بعد از انقلاب در شرایطی به مورد اجرا گذارده شد که کشور با تنگناهای زیربنایی و خسارت‌های شدید از جنگ روبرو بود.^۱ در سال ۱۳۷۲ متعاقب تضعیف ارزش خارجی پول ملی از ۷۰ ریال به ۱۷۵۰ ریال به ازای هر دلار، دولت با تغییر مأخذ محاسبه حقوق گمرکی متناسب با تغییر نرخ ارز، نسبت به تجدید نظر در نرخ آن و کاهش اغلب آن نرخ‌ها اقدام نمود.

۲-۱-۱. موانع تعرفه‌ای

بررسی موانع تعرفه‌ای کشاورزی طی سالهای قبل و بعد برنامه اول (۱۳۶۷ و ۱۳۷۴) گویای آن است که: در سال ۱۳۶۷، نرخ‌های تعرفه (اعم از حقوق گمرکی و سود بازرگانی) محصولات کشاورزی حداقل ۵ درصد مربوط به غلات، دانه‌ها و میوه‌های روغندار و حداکثر ۴۰ درصد مربوط به نوشابه‌ها، آبگون‌ها، قند و شیرینی، کاکائو و فرآورده‌های آن و متوسط نرخ تعرفه گمرکی محصولات کشاورزی فوق ۱۲۱/۲۵ درصد بوده است. بخش مهمی از تعرفه گمرکی را سود بازرگانی تشکیل می‌داد؛ چراکه از کل ۱۲۱/۲۵ درصد تعرفه گمرکی، ۹۶/۵۲ درصد مربوط به سود بازرگانی و بقیه مربوط به حقوق گمرکی بوده و میانگین سود بازرگانی ۳/۶۳ برابر حقوق گمرکی بوده است. از بررسی وضعیت تعرفه گمرکی سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۷۱ و مقایسه آن دو با یکدیگر مشاهده می‌شود که تغییر محسوسی در آن صورت نگرفته و همچنان حداقل تعرفه گمرکی ۱۰ درصد، حداکثر ۴۰ درصد و میانگین آن ۱۱۹/۸ درصد بوده است و به علاوه دامنه پراکنش تعرفه

۱. در برنامه اول توسعه سیاست‌هایی از جمله؛ لغو پیمان ارزی، یکسان‌سازی نرخ ارز، خرید ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به نرخ شناور و تسهیل در واردات کالاهایی که بطور مستقیم و غیرمستقیم در تولید کالاهای صادراتی استفاده می‌شوند، در دستور کار گذاشته شد.

این محصولات بالا بوده است؛ بطوری که حداکثر تعرفه گمرکی بیش از ۴۰ برابر حداقل حقوق گمرکی آن محصولات است و در واقع از برخی محصولات کشاورزی بیش از ۴ برابر قیمت سیف وارداتی حمایت اسمی صورت می‌گرفت. بطور کلی تعرفه گمرکی اسمی بسیاری از محصولات کشاورزی طی سالهای ۷۱-۱۳۶۷ بالا بوده و در این میان، میانگین تعرفه گمرکی فصول ۱۸ (کاکائو و فرآورده‌های آن)، ۲۲ (نوشابه و آبگون‌ها) و ۲۴ (توتون و تنباکو) بیش از ۲۰۰ درصد بوده و از تولید این فصول بیش از دو برابر ارزش آن، حمایت اسمی صورت می‌گرفت (مقررات صادرات و واردات، ۷۳-۱۳۶۷).

طی سالهای ۷۴-۱۳۷۲، متعاقب تغییر مبنای نرخ ارز، نرخ حقوق گمرکی و سود بازرگانی این محصولات نیز تغییر یافت. در سال ۱۳۷۴، حقوق گمرکی در سود بازرگانی ادغام گردید. حداقل تعرفه گمرکی ۵ درصد مربوط به فصول (۵۳، ۲۴، ۱۵، ۱۳، ۱۰، ۹، ۶، ۵، ۴ و ۱) و حداکثر ۱۰۰ درصد به فصول (۱، ۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲ و ۲۳) تعلق داشت و با وجود کاهش میانگین تعرفه از ۱۲۱/۲۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۳۳/۰۳ درصد در سال ۱۳۷۲، همچنان دامنه پراکنش آن بالا بود.

۲-۱-۲. موانع غیر تعرفه‌ای

بررسی موانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات محصولات کشاورزی طی سالهای ۱۳۶۷، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ گویای آن است که قبل از شروع برنامه اول (۱۳۶۷)، از کل محصولات کشاورزی (جمعاً ۲۹۱ کد BTN)، به تعداد ۱۷۸ کد ممنوع‌الورود بودند و در واقع، ۶۱/۱۷ درصد آن محصولات از ممنوعیت برخوردار بودند. در نتیجه، ممنوعیت (اعم از قانونی یا شرعی) اعمال شده بر واردات این محصولات رقم و سهم قابل ملاحظه‌ای بوده به طوری که از کل آن کدها، ۳۵ کد یک مجوز، ۸۱ کد دو مجوز و تنها یک کد به سه مجوز نیاز داشته و لذا از کل محصولات، ۱۲/۰۳ درصد به یک مجوز، ۲۷/۸۴ درصد به دو مجوز و تنها ۰/۳۴ درصد به سه مجوز نیاز داشت. بطور کلی در سال ۱۳۶۷ کالایی نبوده که تحت شمول موانع غیر تعرفه‌ای قرار نگرفته باشد.

طی سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ تغییر در موانع غیر تعرفه‌ای محصولات کشاورزی، به این صورت بوده که از کدهای ممنوع‌الورود، شش کد کاسته شده و به ۱۷۲ کد رسید و اما به

تعداد کدهای یک مجوز، چهار کد و سه مجوز، پنج کد افزوده شد و به علاوه از تعداد کدهای دو مجوز، چهار مورد تقلیل و به ۷۷ کد کاهش یافت. طی این سالها تحول اساسی در موانع غیر تعرفه‌ای آن کالاها ملاحظه نمی‌شود. اما، متعاقب کاهش ارزش خارجی پول ملی و تغییر مبنای نرخ تعرفه‌ها متناسب با آن در سال ۱۳۷۲، در موانع غیر تعرفه‌ای محصولات کشاورزی تحول جدی اتفاق افتاد؛ به نحوی که تعداد کدهای ممنوع‌الورود از ۱۷۲ کد در سال ۱۳۷۱ به ۱۲۰ کد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافت، این در شرایطی بود که بر تعداد کدهای نیازمند یک و دو مجوز به ترتیب از ۳۹ و ۷۷ کد در سال ۱۳۷۱ به ۹۲ و ۹۸ کد در سال ۱۳۷۲، به تعداد ۵۳ و ۲۱ کد افزایش یافت. البته این امر را نیز می‌توان یک اقدام اصلاحی مهم قلمداد کرد؛ چراکه ممنوع‌الورود بودن کالا، ارتباط بازار داخلی و بین‌المللی آن کالا را کاملاً مسدود می‌نماید، اما واردات کالایی که نیازمند چند مجوز است، امکان ورود را میسر ساخته و بین بازار داخلی و خارجی آن کالا ارتباط فراهم می‌آورد. (مقررات صادرات و واردات، ۱۳۶۷-۷۳).

۲-۲. سیاست تجاری کشاورزی در برنامه دوم توسعه

در پی تنگنای ارزی، بحران بدهی‌های خارجی و عدم تحقق برخی پیش‌بینی‌ها برای متغیرهای کلان و بخش خارجی اقتصاد در برنامه اول، در برنامه دوم توسعه نیز برگسترش صادرات غیر نفتی تأکید شد که نشان از گرایش برنامه به استراتژی توسعه برون‌گرا داشت. به منظور اصلاح نظام تجارت خارجی، اعمال و پیگیری خط‌مشی‌هایی در برنامه مورد تصریح قرار گرفت که مهمترین آنها اصلاح نظام ارزی بود. در قانون برنامه دوم، نظام ارزی کشور منطبق بر نظام شناور مدیریت شده، تعریف شد و به علاوه حذف رویه‌های دست و پاگیر گمرکی و تسهیل مراحل ترخیص کالا، بکارگیری روش‌های مناسب به منظور بهره‌گیری از امتیازات خاص در روابط تجاری و بالاخره تدوین نظام تعرفه‌ای مناسب، به منظور حمایت معقول از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و زمینه‌سازی برای

بروز مزیت‌های نسبی کشور تأکید شد. گفتنی است بسیاری از موارد فوق در طول برنامه عملاً به اجرا در نیامد.^۱

۲-۲-۱. موانع تعرفه‌ای

بررسی موانع تعرفه‌ای محصولات کشاورزی^۲ برای سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۸ گویای آن است که، در حقوق گمرکی این محصولات، تغییرات چندانی ملاحظه نمی‌شود؛ چراکه میانگین حقوق گمرکی این محصولات از ۱۰/۵۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۰/۴۸ در سال ۱۳۷۸، تغییر چندانی نیافت، اما میانگین سود بازرگانی (اسمی) از ۲۷/۳۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷۱/۳۹ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش چشمگیری یافت. میانگین کل تعرفه از ۳۷/۵۱ درصد ۱۳۷۵ به ۸۰/۲۹ درصد در سال ۱۳۷۸، به بیش از دو برابر رسید.^۳ به علاوه، در سال ۱۳۷۵، حداقل میانگین تعرفه گمرکی به رقم ۵ درصد به فصل ۵۱ (پشم و کرک) و حداکثر میانگین تعرفه گمرکی به رقم ۱۰۵ درصد به فصل ۱۸ (کاکائو و فرآورده‌های آن) تعلق داشت، حال آنکه در سال ۱۳۷۸، حداقل و حداکثر میانگین تعرفه گمرکی به دو فصل غلات (فصل ۱۰) و دانه‌ها و میوه‌های روغندار (فصل ۱۲) تعلق داشت (مقررات صادرات و واردات، ۷۸-۱۳۷۴).

۱. چرا که شناور نمودن نرخ ارز- از سال ۱۳۷۴ مبتنی بر نرخ‌های تثبیتی بود - در طول برنامه عملاً به اجرا درنیامد و اقدامات مهمی در راستای اصلاح نظام تجاری صورت نگرفت. در این صورت دوره اعمال سیاست‌های اقتصادی مختلف که به منظور کنترل هرچه بیشتر واردات بویژه واردات کالاهای غیرضروری و مصرفی اتخاذ شد، موجب گردید تا رشد واردات کشور در سطح پایین‌تری نسبت به رشد پیش‌بینی شده در برنامه قرار گیرد. عوامل کاهش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی و در نتیجه کاهش درآمدهای ارزی و اعمال فشار از بازارهای مالی بر اقتصاد کشور، بویژه در سالهای پایانی برنامه و همچنین اتخاذ سیاست‌هایی که به منظور کاهش فشار تقاضا به بازار آزاد ارز صورت می‌گرفت نیز از دلایل عدم تحقق پیش‌بینی واردات محسوب می‌شوند.

۲. (مشمول بر ۵ قسمت، ۲۷ فصل، ۲۰۸ شماره تعرفه و ۷۱۴ کد HS)

۳. البته در طول سالهای برنامه دوم توسعه ارزش خارجی پول ملی در بازار آزاد کاهش یافت و مبنای حقوق گمرکی و سود بازرگانی در طول برنامه دوم توسعه ثابت و برابر ۱۷۵۰ ریال بود. پس میانگین تعرفه‌های گمرکی واقعی محصولات کشاورزی تغییر محسوسی نیافت.

۲-۲-۲. موانع غیر تعرفه‌ای

در سال ۱۳۷۵، از ۷۲۲ کد HS مرتبط به محصولات، ۳۴۷ کد (حدود ۴۸/۰۶ درصد) ممنوع‌الورود بوده‌اند. به علاوه تعداد کدهای HS دارای یک، دو و سه مجوز به ترتیب برابر ۱۶۱، ۱۸۷ و ۱۲ بوده، که در واقع ۲۲/۳ درصد به یک مجوز، ۲۵/۹ درصد به دو مجوز و ۱/۷ درصد به سه مجوز نیاز داشتند. طی سالهای ۷۸-۱۳۷۵ تحولاتی در موانع غیر تعرفه‌ای محصولات فوق صورت گرفت که اهم اقدامات اصلاحی به شرح زیر بوده است:

اولاً تعداد کدهای HS محصولات کشاورزی ممنوع‌الورود از ۳۴۷ به ۱۱۴، (به تعداد ۲۳۳ کد) کاهش یافت. کاهش قابل ملاحظه کدهای ممنوع‌الورود، یک تحول مهم در برنامه دوم توسعه قلمداد می‌شود و البته ناگفته نماند همچنان تعداد کدهای ممنوع‌الورود قابل ملاحظه است. به هر حال، تعداد کدهای، ممنوع‌الورود از ۴۸/۰۶ درصد برای سال ۱۳۷۵ به ۱۵/۷۹ درصد برای سال ۱۳۷۸، کاهش چشمگیری یافته است.

ثانیاً متعاقب کاهش چشمگیر کدهای HS ممنوع‌الورود، تعداد کدهای دارای انواع مجوز رو به فزونی گذاشت؛ به عبارتی تعداد کدهای دارای یک و دو مجوز از ۱۶۱ و ۱۸۷ کد مربوط به سال ۱۳۷۵ به ۱۶۵ و ۴۲۵ کد در سال ۱۳۷۸، (به تعداد ۴ و ۲۳۸ کد) رو به افزایش گذاشت و تعداد کدهای سه مجوزه از ۱۲ کد به ۱۹ کد رسید. پس از کدهای ممنوع‌الورود طی سالهای برنامه دوم بطور قابل ملاحظه‌ای کاسته شد، در مقابل بر کدهای دارای دو مجوز و سه مجوز بطور چشمگیری افزوده شد. از بررسی اجمالی انواع موانع غیر تعرفه‌ای طی سالهای ۷۸-۱۳۷۵ نتیجه می‌شود که کلیه محصولات کشاورزی همچنان تحت شمول انواع موانع غیر تعرفه‌ای بخصوص مجوزها و ممنوعیت‌ها قرار داشتند (مقررات صادرات و واردات، ۷۸-۱۳۷۴).

۲-۳. سیاست تجاری کشاورزی در برنامه سوم توسعه

تداوم روند افزایشی درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت طی برنامه سوم توسعه، امکان شفاف‌سازی قوانین و مقررات ناظر بر بازرگانی خارجی جهت ایجاد تحرک اقتصادی را بیش از پیش فراهم ساخت. از این رو، سیاست تجاری در برنامه سوم عموماً ناظر بر تسهیل شرایط واردات، تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به معادل‌های تعرفه‌ای و افزایش

شمول کالاهای قابل ورود بود. در راستای تحقق ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم^۱ با توافق وزارت بازرگانی و بانک مرکزی در اسفند ۱۳۷۹، واردات ۲۵۰۰ گروه از کالاهای صنعتی از اخذ مجوز وزارت صنایع معاف گردیدند و به منظور ایجاد تسهیلات بیشتر برای واردکنندگان نیز تمهیداتی اندیشیده شد.

۱-۳-۲. موانع تعرفه‌ای

بررسی موانع تعرفه‌ای کشاورزی برای سه سال اول برنامه سوم توسعه نشان می‌دهد که در سال اول برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹) تحولی در موانع تعرفه‌ای محصولات فوق ملاحظه نمی‌شود، این در حالی است که موادی از برنامه سوم توسعه صراحتاً به اصلاح سیاست تجاری تأکید داشت و در سال دوم برنامه سوم توسعه (۱۳۸۰) برخی اقدامات در راستای افزایش سود بازرگانی برخی از آن محصولات صورت گرفت به نحوی که میانگین سود بازرگانی از ۷۴/۲۷ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۷۹/۴۶ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافت اما از فروردین ۱۳۸۱ تحولات اساسی در سیاست تجاری مشخصاً موانع تعرفه‌ای محصولات کشاورزی صورت گرفت که در ذیل به آن موارد اشاره می‌شود (مقررات صادرات و واردات، ۸۱-۱۳۷۹):

۱- مبنای نرخ ارز در محاسبه موانع تعرفه‌ای از ۱۷۵۰ ریال به ازای هر دلار به ۷۷۰۰ ریال به ازای هر یک دلار، حدود ۴/۴ برابر (به نسبت ۵ به ۲۲) افزایش یافت. این تغییر مبنای افزون بر شفافیت مقررات و تسهیل محاسبات، از تبعیضات، رانت‌ها و امتیازات حاکم بر واردات نیز بطور چشمگیری کاست. متعاقب این تغییر مبنای، نرخ حقوق گمرکی و سود بازرگانی واقعی‌تر شد. از مقایسه سطح کلی موانع تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات محصولات کشاورزی طی دو سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، نتیجه می‌شود که میانگین سطح اسمی کل موانع تعرفه‌ای از ۸۸/۸۸ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۲۷/۸۴ درصد در

۱. ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم دولت را مکلف می‌نماید برای رونق تجارت خارجی، موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی را با رعایت ممنوعیت‌های شرعی حذف و نسبت به تهیه برنامه زمان‌بندی اصلاح، و نرخ‌های معادل تعرفه‌ای اقدام نماید.

سال ۱۳۸۱ رسید. این کاهش در مورد حقوق گمرکی به مراتب بیشتر از سود بازرگانی موضوعیت دارد. در واقع میانگین حقوق از ۸/۶۲ درصد به یک درصد، و نیز میانگین سود از ۸۰/۳۶ درصد به ۲۶/۸۴ درصد رسید. این تحولات در جهت منطقی شدن و اصلاح سیاست تجاری صورت پذیرفت.

۲- حقوق گمرکی محصولات فوق طی سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به یک درصد تقلیل یافت و بطور یکنواخت برای تمامی کالاها به میزان یک درصد اعمال شد و به سبب یکنواختی حقوق گمرکی بر آن کالاها، حداقل، حداکثر و میانگین آن برابر یک بود. با توجه به یک درصد بودن نرخ حقوق گمرکی، گویای نقش کم و نازل آن به عنوان یک مانع تعرفه‌ای است.

۳- سود بازرگانی در سیاست تجاری کشاورزی ایران نقش پررنگی را ایفا می‌نماید. به دلیل کاهش حقوق گمرکی به یک درصد، سود بازرگانی مهمترین متغیر مانع تعرفه‌ای محسوب می‌شود. از بررسی سود بازرگانی، حداقل سود بازرگانی به رقم ۲ درصد به فصل ۱۵ (چربی‌ها و روغن‌های حیوانی) و حداکثر سود بازرگانی به رقم ۱۲۵ درصد به فصل ۲۳ (آخال و تفاله صنایع خوراکی‌سازی) تعلق دارد. با توجه به حد پایین و بالای سود بازرگانی (۲ در مقایسه با ۱۲۵ درصد) گویای دامنه پراکنش بالای سود بازرگانی این محصولات است.^۱ در یک دسته‌بندی کلی موانع تعرفه‌ای دو فصل ۲۲ و ۲۰ بیش از ۵۰ درصد بوده، در حالی که موانع تعرفه‌ای فصول ۱۰، ۱۳، ۲۳، ۲۵ کمتر از ۱۰ درصد بوده است و میانگین موانع تعرفه‌ای کلیه ۲۷ فصلی نیز ۱۴/۲۷ درصد برآورد می‌شود و نیز فراوانی نسبی فصولی که دارای تعرفه بیش از ۱۵ درصد و کمتر از ۵۰ درصد بوده، بالاست و در نتیجه با وجود تغییر

۱. از بررسی میانگین سود بازرگانی ۲۷ فصل کشاورزی، حداقل میانگین سود بازرگانی به فصل ۱۰ (غلات) به میزان ۳/۱۳ درصد، و حداکثر میانگین سود بازرگانی به فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) برابر ۶۹/۹ درصد تعلق دارد.

مبنای حقوق و کاهش قابل ملاحظه سود بازرگانی طی آن سالها، موانع تعرفه‌ای همچنان بالاست.

۴- اگر تغییرات صورت گرفته در موانع تعرفه‌ای را با تغییرات تغییر مبنای نرخ ارز استفاده شده در آن تعدیل نمائیم، آنگاه نتیجه می‌شود که سطح واقعی موانع تعرفه‌ای در سال ۱۳۸۱ در مقایسه با سال قبل افزایش نیز یافته است؛ به عبارتی درست است که میانگین سطح اسمی موانع تعرفه‌ای محصولات از ۸۸/۹۸ درصد به ۲۷/۸۴ درصد کاهش یافته، اما مبنای ارز موانع گمرکی از ۱۷۵۰ ریال به ازای یک دلار به ۷۷۰۰ ریال افزایش یافته؛ در واقع اگر کل سطح واقعی موانع گمرکی در سال ۱۳۸۰ برابر با ۱۰۰ باشد، آنگاه در سال ۱۳۸۱، میانگین سطح واقعی موانع گمرکی به ۱۳۷/۷ رسیده که گویای آن است با وجود شفافیت و واقعی‌تر شدن مبنای موانع تعرفه‌ای، موانع تعرفه‌ای واقعی واردات محصولات کشاورزی رو به افزایش گذاشته است.

۲-۳-۲. موانع غیر تعرفه‌ای

در راستای اصلاح سیاست تجاری، موادی از برنامه سوم به بحث کلیدی موانع غیر تعرفه‌ای اختصاص یافته است. در سالهای برنامه سوم مهمترین تحول در سیاست تجاری، در موانع غیر تعرفه‌ای صورت گرفته است؛ چراکه کلیه مجوزهای مشروط به دریافت مجوز، به یک مجوز (بازرگانی) کاهش یافته و در نتیجه از تعداد کالاهای دو مجوز به تعداد ۲۲۸ کد از کل ۷۲۲ کد مربوط به کشاورزی کاسته شده و هم‌اینک تنها مجوز وزارت بازرگانی باقی مانده است و البته برای تعداد معدودی از کالاها حدود ۷ کد، مجوز وزارت صنایع، و وزارت بهداشت لازم است. در این میان، موانع غیر تعرفه‌ای به صورت ممنوع‌الورود به دلایل شرعی و قانونی به تعداد ۹۱ کد، همچنان باقی است. تغییر در موانع غیر تعرفه‌ای محصولات کشاورزی گویای آن است که: اولاً تعداد کدهای HS مربوط به محصولات کشاورزی ممنوع‌الورود در سه سال اول برنامه سوم توسعه هیچ تغییری نیافته است و همچنان به تعداد ۹۱ کد از ۷۲۲ کد (معادل ۱۲/۶) از موانع غیر تعرفه‌ای

ممنوع‌الورود مواجه هستند. از میان فصول ۲۷ گانه مرتبط با کشاورزی بیشترین کالاهای ممنوع‌الورود به فصول ۲۰ (فرآورده‌ها از سبزیجات و میوه‌ها) به تعداد ۲۵ کد، ۲۳ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) به تعداد ۲۲ کد و ۲ (گوشت و احشاء خوراکی) به تعداد ۱۵ کد تعلق داشته است و بدین ترتیب این سه فصل جمعاً ۶۸ درصد کدهای HS ممنوع‌الورود را دربر می‌گیرند.

ثانیاً با وجود آنکه تعداد کدهای دارای مجوز طی سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ تغییری نیافته، اما در سال ۱۳۸۱، تمامی کدهای دارای دو مجوز (به تعداد ۲۲۸ کد) به یک مجوز تقلیل یافت و به این ترتیب در سال ۱۳۸۰ به تعداد ۶۳۱ کد دارای مجوز (شامل ۴۰۳ کد یک مجوز و ۲۲۸ کد دو مجوز)، به کدهای یک مجوز (۶۳۵ کد) تقلیل یافت (مقررات صادرات و واردات، ۸۱-۱۳۷۹).

۳. سیاست تجاری کشاورزی؛ تجربه جهانی

از اواسط دهه ۱۹۵۰، دوره رشد چشمگیر در تجارت جهانی و گشایش اقتصادها^۱ شروع شد. مطابق داده‌های آماری، از سال ۱۹۶۵، تجارت جهانی در تمامی سالها - بجز معدودی سالهای مصادف با افت ادواری^۲ - با سرعت بیشتر نسبت به درآمد جهانی رشد کرد و در کل دوره، رشد تجارت دو برابر رشد درآمد بود. این رشد سریع، بازتاب چند عامل از جمله کاهش موانع و محدودیت‌های تجاری است.^۳

در کشورهای صنعتی طی دهه ۱۹۳۰، سطح بالایی از حمایت‌ها تجربه شد ولی پس از تأسیس موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)^۴ در سال ۱۹۴۷ سطح حمایت‌ها رو به کاهش گذاشت و این روند تحت ادوار متوالی مذاکرات GATT تداوم یافت. فرآیند اصلاح تنها محدود به کاهش تعرفه‌ها نبود، بلکه طی دهه ۱۹۵۰، یک مؤلفه مهم آزادسازی، لغو محدودیت‌های مقداری^۵ (اعمال شده به دلایل تراز پرداختها) بود. فرآیند

1. Openness of economies
 2. Cyclical downturns
 3. Ng & Yeats (1999); Deardorff (2000)
 4. General Agreement of Tariffs and Trade (GATT)
 5. Quantitative Restrictions (QR)

آزادسازی همواره و مداوم نبود، بلکه با نوساناتی همراه بود. بطور مثال طی دهه ۱۹۵۰، در نتیجه مستثنی شدن بخش کشاورزی و ایجاد امکان تداوم برنامه‌های قیمتی حمایت داخلی، کشاورزی از نظام چند جانبه^۱ تجاری بطور مؤثر کنار گذاشته شد و بدین ترتیب طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، در صادرات پوشاک و منسوجات به دلیل وجود نظام سهمیه‌ها^۲ تبعیض بین کشورها روا می‌شد و تمام اصول اساسی GATT را نقض می‌کرد. وقتی تعرفه‌ها کاهش یافتند، نقش محدودکننده انواع حمایت‌های غیرتعرفه‌ای اعم از محدودیت‌های داوطلبانه صادرات^۳ و اقدامات ضدقیمت شکنی^۴ افزایش پیدا کرد. اما، برای کالاهای صنعتی که در کانون فرآیند آزادسازی تجاری GATT قرار داشتند، کاهش حمایت تعرفه‌ای، چشمگیر بود. کشورهای درحال توسعه طیفی از اقدامات سیاستی را برای اجرای سیاست تجاری استفاده کردند. موانع تعرفه‌ای همانند موانع غیرتعرفه‌ای نظیر سهمیه‌ها و مجوزها در همه جا اعمال می‌شد. محدودیت‌های ارزی غالباً مالیات‌های اضافی را بر تجارت تحمیل می‌کردند.^۵ مطالعات کروگر^۶ گویای آن است که تحت رژیم‌های تجاری جان‌شینی واردات^۷، سهمیه‌های وارداتی^۸ غالباً رانت‌های سهمیه‌ای ایجاد کرده‌اند که سهم با اهمیتی از تولید ناخالص داخلی است. غالباً چنین سهمیه‌ها و مجوزها به نحوی تخصیص یافته بودند

1. Multilateral System

2. System of quotas

3. Voluntary Export Restraints (VERs)

4. Antidumping Measures

۵. استفاده وسیع از موانع غیرتعرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه مشکلات جدی و ویژه‌ای را در اجرای سیاست‌های تجاری در کل فراهم آورد. وقتی اقدامات غیرتعرفه‌ای نظیر سهمیه‌ها یا مجوزها برای تحدید تجارت بکار گرفته شدند، این اقدامات اهمیت پیدا کردند. اهمیت سیاست‌های تجاری در طول زمان در پاسخ به حجم تجارت مجاز، انتقال عرضه و تقاضای کالاهای تولید شده در داخل و تغییر در قیمت‌های بین‌المللی، تغییر می‌یافت. حدود معیارهای حمایتی مثلاً سهمیه‌ها (یا مالیات‌ها، مثل کنترل صادرات) از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داخلی غیرقابل مشاهده است، مگر اینکه بازاری برای این سهمیه‌ها موجود باشد و دریافت‌کنندگان چنین سهمیه‌هایی نوعاً برای جلوگیری از ایجاد چنین بازارهایی سخت مقاومت کنند؛ چراکه آگاهی از میزان منافع آنها از دریافت سهمیه‌ها، به فشار روی لغو آنها منجر می‌شود.

6. Krueger (1980)

7. Import Substitution Regimes

8. Import Quotas

که انگیزه‌های قوی برای استفاده از منابع حقیقی جویای رانت فراهم، و به اتلاف توأم با اسراف منابع کمیاب منجر می‌شدند.^۱ این سیاست‌ها انگیزه‌های قوی برای فساد به بار می‌آورد و تبعات منفی بر کیفیت نهادی توسعه داشت.^۲ اثرات حمایتی تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و مجوزها در این کشورها غالباً با اختلال در بازارهای ارز تقویت می‌شد. در ساده‌ترین و شفاف‌ترین شکل، محدودیت ارزی بر حساب جاری متضمن ارزش بیش از حد نرخ ارز رسمی^۳ است که به موازات نرخ ارز بازار ثانویه^۴ دیده می‌شود و در این بازار، قیمت داخلی نرخ ارز تعیین و ارز کمیاب بین مصارف مختلف تخصیص می‌یابد.^۵

با وجود رژیم‌های ارزی و تجاری تحریف شده که ویژگی اغلب کشورهای در حال توسعه تا قبل از دهه ۱۹۸۰ است، مشکل می‌توان دانست که چه اصلاحات سیاستی بهبوددهنده رفاه هستند. با این حال، تحولات سیاستی که شفافیت را افزایش داده و تحریفات بین بنگاهها را یکدست می‌سازد، بهبوددهنده رفاه هستند. برای مثال جایگزینی تخصیص ارزی، با رویکرد بازار موازی عموماً بهبوددهنده رفاه است.^۶ یا، استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی بدون کاستن از موانع، کاهنده رفاه می‌تواند باشد^۷ و سیاست‌هایی که الزامات عملکرد صادراتی را روی سرمایه‌گذاری خارجی اعمال نموده‌اند، بهبوددهنده بهینه دوم رفاه هستند.^۸ جذابیت سیاسی سیاست‌های جانشینی واردات برای کشورهای در حال توسعه قبل از دور اروگوئه (۱۹۹۴-۱۹۸۶) با نظام تجاری چند جانبه تضادی نداشت. در این دوره، در این کشورها، عموماً نظریه جانشینی واردات را

1. Bhagwati (1983)

2. World Bank (2000)

3. Overvalued Official exchange rate

4. Secondary market exchange rate

۵. در جاهایی که بازارهای موازی (ثانویه) قانونی هستند - مثلاً در چین بعد از اوایل دهه ۱۹۸۰

(Martin, 1993a) و یا نیجریه در سالهای اخیر - وسعت (اندازه) محدودیت تجاری ایجاد شده

توسط این سیاست‌ها قابل مشاهده و بسیار چشمگیر است.

6. Dervis, de Melo & Robinson (1981)

7. Brecher & Diaz - Alejan- dro (1977)

8. Rodrik (1987)

تجویز می کردند و بر تلاشهایشان در GATT روی کسب بهبودهای برگشت ناپذیر در دسترسی شان به بازارهای کشورهای صنعتی تحت عنوان "رفتار ویژه"^۱ تمرکز داشتند.^۲

در سایه این تجربه، این کشورها شروع به تعدیل سیاست هایشان به سمت رژیم های تجاری بازتر کردند، این تغییر وضعیت خود را در دور اروگوئه نشان داد که در آن کشورهای در حال توسعه ابتدا شروع به ایفای نقش در "بازی اصلی"^۳ امتیازات^۴ دسترسی به بازار در حال تحول کردند. این کشورها تمایل داشتند تعرفه هایشان را بر ۱۰۰ درصد واردات کشاورزی و بالغ بر ۶۰ درصد واردات محصولات صنعتی تثبیت^۵ کنند.^۶ به علاوه، آنها موافقت کردند که از حقوق مالکیت فکری در قبال لغو سهمیه ها در منسوجات و پوشاک و پیگیری ضوابط محدود کننده حمایت از کشاورزی حمایت نمایند. با این حال گسترده ترین نمایش علاقه کشورهای در حال توسعه به مشارکت بیشتر در تجارت، نشان از موج اصلاحات تجاری یک جانبه دارد که این کشورها را در بر گرفته است. این اصلاحات تمام مناطق و انواع مهم تحریفات سیاستی را تحت تأثیر قرار داده است. گزارش بانک جهانی تحت عنوان "چشم اندازهای اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۱"، میانگین نرخ تعرفه در کشورهای در حال توسعه از ۳۰ درصد در اول دهه ۱۹۸۰ به حدود ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۹۰، یعنی به نصف کاهش یافته است.^۷ کاهش مطلق در نرخ های تعرفه در کشورهای

1. Special and differential treatment

۲. این سیاست، برای کشورهایی که دسترسی ترجیحی به بازارها جهت بهبود رابطه مبادله داشتند، نوعی کمک محسوب می شد و با این حال، این سیاست تبعات اقتصادی منفی داشت. با این حال، گروه اندکی از کشورهای در حال توسعه در شرق آسیا از راهبرد جایگزینی واردات تبعیت نکردند، بلکه سیاست های مکمل تشویق صادرات را به عنوان بخشی از مسیر توسعه معطوف به صادرات بکار گرفتند. تا پایان دهه ۱۹۹۰، عملکرد اقتصادهایی نظیر هنگ کنگ، کره جنوبی و تایوان (چین) جلب توجه نمود.

3. maingame

4. Concessions

5. bind Grand bargain

6. Abreu (1996)

۷. التزام به تعهد به مفهوم افزایش نیافتن تعرفه ها بالاتر از سطح مشخص ثبت شده در جدول امتیازات در WTO است.

8. World Bank (2001)

در حال توسعه بسیار بیشتر از کشورهای صنعتی بوده است، البته کاهش از سطوح بالاتر احتمال منافع رفاهی بیشتری را نسبت به کاهش‌های متناظر در سطوح پایین‌تر تعرفه دارد^۱ پراکنش نرخ‌های تعرفه، اساساً کاهش یافته بود.^۲ در واقع کاهش تعرفه‌ها بازتابی از جایگزینی موانع غیرتعرفه‌ای بجای تعرفه‌هاست. علاوه بر کاهش تعرفه‌ها، پوشش موانع غیرتعرفه‌ای شامل انحصارات مؤسسات تجاری دولتی (STEs)^۳ نیز کاهش چشمگیری یافته است.

در دور اروگوئه، پس از تقریباً ۸ سال مذاکرات مداوم، قوانین جدیدی جهت اعمال بر تجارت کشاورزی و... مورد توافق قرار گرفت. در مورد کشاورزی که تا پایان دور اروگوئه از اعمال قواعد و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت^۴ بری می‌بود، قوانین بین‌المللی جدیدی سامان یافتند و محدودیت‌هایی بر حمایت مرزی^۵، یارانه‌های صادراتی^۶ و حمایت داخلی^۷ وضع شدند. در بین مهمترین تغییر و تحولات قانونی می‌توان به تعرفه‌ای کردن^۸، تثبیت تعرفه‌ها^۹، تعهدات حداقل دسترسی در محصولات که واردات آنها قبلاً محدود یا ممنوع بود، ممانعت از استفاده از یارانه‌های صادراتی جدید و تعهد به کاهش ارزش و حجم یارانه‌های صادراتی موجود اشاره کرد.

طی دهه ۱۹۹۰، سهم صادرات کشورهای در حال توسعه در کل تجارت جهانی کشاورزی به سبب بهبود دسترسی به بازارهای کالایی کشورهای توسعه یافته از ۴۰/۵ درصد به ۴۳ درصد افزایش، و از اواسط دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰، حمایت از تولیدات کشاورزی کاهش یافته است. با این حال، متوسط ارزش سالانه یارانه‌ها در اتحادیه

1. Martin (1997)

2. Anderson (1995)

3. State Trading Enterprises(STEs)

4. GATT

5. border protection

6. Export Subsidies

7. Domestic Support

8. tariffication

9. binding of all tariffs: تعهد به حداکثر سطح تعرفه‌ای که در مرز قابل بکارگیری است؛ به این

مفهوم که کشورها می‌توانند تعرفه‌ها را در حد حداکثر یا کمتر از آن بکار برند، ولی برای افزایش

تعرفه‌ها بالاتر از آن سقف کاربردی مجوزی ندارد، مگر اینکه موضوع مجدداً مورد مذاکره قرار گیرد

و به شرکای تجاری متأثر از آن، یا در مورد حفاظت‌های اضطراری جبران لازم داده شود.

اروپا حدود ۶۰ درصد از کل تجارت جهانی کشاورزی و حدود ۲ برابر ارزش صادرات کشورهای در حال توسعه است. دور اروگوئه در محدود کردن افزایش تعرفه واردات کشاورزی موفق بود. شواهد گویای آن است که با کاهش تعرفه‌ها و یارانه‌ها، صادرات کشاورزی این کشورها افزایش خواهد یافت. برای نمونه اگر چهار کشور ژاپن، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و کانادا برای صادرات کشورهای کم درآمد آفریقا عوارضی وضع نکنند، صادرات خالص کشاورزی ۶ درصد افزایش خواهد یافت.

شواهد تجربی و ارزیابی سیاست‌های قیمتی و تجاری کشاورزی منتخبی از کشورهای در حال توسعه گویای آن است که از کشاورزی حمایت منفی صورت می‌گیرد. دخالت غیرمستقیم منفی از کشاورزی بطور عمده ناشی از عدم تعادل‌های موجود در سیاست‌های اقتصاد کلان و بدلیل حمایت از صنعت بوده که سبب انتقال درآمد قابل ملاحظه از کشاورزی به بخش غیرکشاورزی گردیده است؛ به عبارتی سیاست‌های قیمتی در بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه تبعیض گسترده‌ای به زیان کشاورزی و انتقال درآمد از کشاورزی به غیرکشاورزی و دولت را سبب شده که ریشه‌های آن در سیاست‌های توسعه صنعتی و استراتژی جایگزینی واردات و بالا نگه داشتن نرخ ارز نهفته است.

کشورهای در حال توسعه به جای حمایت عملاً بر اغلب صادرات کشاورزی مالیات وضع می‌کنند و در این میان تعداد کشورهایی که تعهدات کاهش یارانه صادراتی را پذیرفته‌اند (شامل برزیل، کلمبیا، جمهوری چک، لهستان و ونزوئلا)، کم بوده است. با وجود کاهش چشمگیر در یارانه صادراتی اغلب محصولات، حجم مجاز یارانه‌های صادراتی برای کالاهای عمده در پایان دوره اجرا، قابل توجه خواهد بود و بیشترین میزان به گندم، غلات دامی، گوشت گاو و گوساله و روغن‌های نباتی تعلق خواهد یافت. به هر حال هنوز هم یارانه‌های صادراتی باقی مانده، اختلال مهمی در تجارت کشاورزی جهانی محسوب می‌شوند.

استفاده از معیارهای غیرتعرفه‌ای طی دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ رشد یافت اما برخی مطالعات نشان می‌دهند که استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای در سالهای اخیر کاهش یافته، اما همچنان معیارهای غیرتعرفه‌ای مانع تجارت در بخش‌های معینی هستند. بررسی‌ای که توسط OECD انجام شده، گویای آن است که استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای توسط کشورهای صنعتی طی

سالهای ۹۶-۱۹۸۹ بخصوص از سال ۱۹۹۵ به سبب تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای کشاورزی کاهش یافته است و مطالعه جدید OECD روند نزولی دراستفاده از معیارهای غیرتعرفه‌ای بویژه معیارهای اصلی را تأیید می‌کند که براساس آن تحقیق برای کشورهای APEC بین سالهای ۹۸-۱۹۹۵، استفاده از معیارهای غیرتعرفه‌ای به نصف رسید و نتایج مقدماتی از یک نظرسنجی، گویای آن است که معیارهای غیرتعرفه‌ای نظیر: موانع فنی تجارت، مقررات قرنطینه‌ای و اقدامات تجاری دولتی، مهمترین موانع به حساب می‌آیند.

اعضای WTO به عنوان بخشی از سیاست تعرفه‌ای کردن، نیاز به ابقای فرصت‌های دسترسی به واردات جاری محصولات تعرفه‌ای شده داشتند که این در واقع تضمین می‌کند که در سال ۱۹۹۵ فرصت‌های دسترسی جاری حفظ شوند و حداقل دسترسی نیز به میزان ۳ درصد مصرف دوره پایه فراهم آید و بطور تصاعدی تا ۵ درصد میزان مصرف بسط یابد. تجارت تا سطح محدودیت‌های سهمیه‌ای با نرخ‌های کمتر (تعرفه پایین) انجام می‌شود، حال آنکه برای تجارت فراتر از آن، سطح نرخ‌های دول کامله‌الوداد استفاده می‌شود و از این رو نرخ تعرفه سهمیه‌ای (TRQS) برای تجارت تا سطح تعرفه سهمیه‌ای (TQ) بکارگرفته می‌شود. اغلب سهمیه‌های تعرفه‌ای در بخش کشاورزی از فرآیند تعرفه‌ای کردن دور اروگونه ناشی می‌شود.

۴. روش تحقیق

موافقتنامه کشاورزی (AOA)^۱ سازمان جهانی تجارت (WTO) در تنظیم قواعد و تعهدات کاملاً جدید در سه حوزه؛ دسترسی به بازار، حمایت داخلی و یارانه‌های صادراتی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافت.^۲ ضوابط تعیین شده برای دسترسی به بازار، طیفی از

1. Agreement on Agriculture(AOA)

۲. مهمترین جنبه موافقت‌نامه دور اروگونه در زمینه کشاورزی تغییر در قوانین دسترسی به بازار بود. کشورهای طرف این موافقت‌نامه در تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌های تثبیتی و عدم بکارگیری معیارهای غیرتعرفه‌ای جدید (ماده ۴ موافقتنامه) به توافق رسیدند. تعرفه‌های تثبیت شده جدید و نیز تعرفه‌هایی که در مذاکرات پیشین تثبیت شده بود، باید طی ۶ سال (۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰) در کشورهای

گزینه‌های مربوط به تعیین معادل‌های تعرفه‌ای را در بر می‌گرفت؛ بدین ترتیب که در صورت وجود موانع غیر تعرفه‌ای، تعرفه‌ای کردن را بکار می‌گرفتند به علاوه، تعرفه‌های پایه را با نرخ تثبیت شده موجود تنظیم می‌کردند. نرخ تثبیت شده تعرفه، حداکثر تعرفه‌ای را تعیین می‌کند که در مرز قابل اعمال است. از این رو با شروع اجرای موافقت‌نامه کشاورزی، تمام تجارت کشاورزی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تحت تعرفه‌های تثبیت شده انجام می‌شود. این نرخ‌های تثبیت شده باید با نرخ‌های مورد توافق در طول دوره اجرا کاهش یافته و بالاخره دسترسی به بازار جاری می‌باید حفظ شده و حداقل فرصت‌های دسترسی نیز ایجاد گردد. بررسی ویژگی‌های اصلی رژیم واردات کشاورزی کشورها بعد از دور اوروگوئه گویای آن است که تعرفه‌های بالاتر تولیدات مواد غذایی مناطق معتدل و نرخ‌های پایین برای محصولات گرمسیری حکم فرماست؛ چرا که واردات محصولات مناطق معتدل با تولید داخلی رقابت می‌کند و به علاوه اینکه در دوره پایه، قیمت در بازار جهانی آن محصولات به مراتب پایین بوده و بخصوص آنکه شواهدی وجود دارد که کشورهایی، تعرفه‌های پایه‌شان را برای برخی محصولات در نرخ‌های بالاتر تنظیم کرده‌اند. حداکثر نرخ تعرفه به سه گروه شامل مواد غذایی اصلی (شیر، گوشت، غلات)، میوه و سبزیجات و تولیدات غذایی فرآوری شده (شکر، کره، پنیر) تعلق دارد. حداکثر تعرفه در اتحادیه اروپا، ژاپن و ایالات متحده بر گروه لبنی، غلات (بجز آمریکا)، شکر و مواد غذایی فرآوری شده اعمال می‌شود. به حدود یک چهارم واردات جامعه اروپا و ژاپن و یک دهم واردات آمریکا تعرفه بالای ۲۰ درصد وضع شده است.

به موازات رفتار ویژه^۱ و ترجیحی داده شده به کشورهای در حال توسعه، شرایط زیر بکار گرفته شد: الف - در آغاز دوره در مورد کالاهایی که تعرفه‌های آنها تثبیت نشده بود،

صنعتی با میانگین ساده ۳۶ درصد و در هر ردیف تعرفه حداقل ۱۵ درصد، کاهش پیدا کند و در کشورهای در حال توسعه طی ده سال (۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵) میزان کاهش به ۲۴ درصد و در هر ردیف تعرفه‌ای حداقل ۱۰ درصد برسد.

۱. رفتار ویژه در مورد کالاهایی مجاز شد که دارای شرایط زیر بودند: ۱- کالاهای خامی که مواد غذایی اصلی در رژیم غذایی بودند؛ ۲- واردات آنها کمتر از ۳ درصد مصرف داخلی در دوره پایه بود؛ ۳- هیچ بارانه صادراتی به آن کالاها پرداخت نشده بود. در عوض حداقل سطح دسترسی در این

تعیین سقف تثبیت تعرفه مجاز شمرده شد، ب - برای کشورهای با کمترین میزان توسعه‌یافتگی انعطاف‌پذیری نشان داده و بجای کاهش تعرفه‌ها، پیشنهاد سقف تثبیت تعرفه‌های کشاورزی از طرف این کشورها، کافی تلقی شد. سطوح مورد توافق تعرفه‌ها از طریق پیشنهادات کشوری، تعیین شد.^۱ براین اساس، اجرای موافقت‌نامه بر مبنای تعهدات نهایی هر یک از کشورهای مشارکت‌کننده آغاز شد. ضوابط تعیین‌شده طیفی از گزینه‌ها را دربرمی‌گرفت که متناسب با سطح توسعه کشور شرکت‌کننده و ماهیت تعرفه و محدودیت‌های وارداتی در آغاز دوره تعیین شده بود. یعنی اینکه، آیا تعرفه در شروع دوره از قبل تثبیت شده بود یا نه و آیا از موانع غیرتعرفه‌ای برخوردار بود یا نه؟ برای کالاهایی که دارای نرخ تعرفه تثبیت‌شده در شروع دوره بودند، کشورهای مشارکت‌کننده باید، الف- تعرفه‌ای کردن را در صورت وجود موانع غیرتعرفه‌ای بکار می‌گرفتند، یا ب - در صورت نبود موانع غیرتعرفه‌ای، تعرفه‌های پایه را در نرخ تثبیت‌شده موجود، تنظیم می‌کردند. تعرفه‌ای کردن - یعنی تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌های تثبیتی - اقدامی است که تجارت کشاورزی را به هم سویی با تولیدات صنعتی سوق می‌دهد. در گام اول به سوی آزادسازی، کشورهای مشارکت‌کننده، به استثنای آنهایی که تحت پوشش «رفتار ویژه»^۲ قرار گرفتند، لازم بود معیارهای غیرتعرفه‌ای را به تعرفه‌های تثبیت‌شده تبدیل کنند. تعرفه‌ای کردن به نحوی که مورد عمل قرار گرفته، خالی از اشکال نیست؛^۳ با این حال منافع آنی برای دستیابی به شفافیت در حمایت در مقابل واردات را فراهم می‌کند. به علاوه،

کالاها در ابتدا ۴ درصد مصرف داخلی تعیین‌شده و افزایش آن تا ۸ درصد طی دوره اجرا، لازم بود. موارد اصلی رفتار ویژه در مورد واردات برنج در ژاپن، کره و فیلیپین بود.

۱. روش در نظر گرفته شده برای تنظیم این تعهدات در سند مذاکراتی خاصی تحت عنوان «ضوابط تنظیم تعهدات تثبیت ویژه تحت برنامه اصلاحات» آمده و از آنجایی که جداول تعهدات، نهایتاً بطور متقابل پذیرفته شده و بخشی از موافقت‌نامه نهایی شد، بنابراین «ضوابط تعیین‌شده» عملاً بلا اثر شدند.

2. Special Treatment

۳. این اقدامات شامل تبدیل محدودیت‌های مقداری واردات، عوارض متغیر، حداقل قیمت وارداتی، تبعیض در صدور مجوز واردات، اقدامات تعرفه‌ای حفظ شده از طریق بنگاههای تجاری دولتی، محدودیت‌های داوطلبانه صادراتی و تمام معیارهای مشابه به آثاری مشابه از طریق تعرفه‌ها می‌باشد.

تعرفه‌ها بطور کلی نسبت به دیگر موانع وارداتی ترجیح دارند، چرا که قابل پیش‌بینی‌تر، غیر تبعیض‌آمیزتر، آسانتر از نظر تعهد، و در برابر فساد کمتر اثرپذیر هستند. تعرفه‌ها همچنین رقابت را در بازارهای داخلی تسهیل می‌کنند و امکان لازم برای کشورهای واردکننده را به تعدیل در تجارت در قبال تغییرات قیمتی در بازار جهانی فراهم می‌آورند.

در دور اروگوئه روش شکاف قیمتی برای تنظیم معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای استفاده شد؛ این روش فرض می‌کند که اختلاف قیمت داخلی و قیمت جهانی ناشی از آثار محدودکننده تمامی موانع غیرتعرفه‌ای موجود در بازار هستند. به جای قیمت داخلی برای تمام کشورها، قیمت‌های عمده‌فروشی، و در صورت عدم دسترسی به آن، قیمت‌های تولیدکننده به عنوان مناسب‌ترین معیار محسوب می‌شود و مناسب‌ترین قیمت به جای قیمت جهانی، میانگین قیمت سیف وارداتی کشور مورد نظر است. بالاخره با استفاده از میانگین سالانه نرخ ارز بازار برای همان دوره، نرخ تبدیل قیمت دلاری به پول محلی صورت می‌گیرد. سطوح معادل‌های تعرفه‌ای ناشی از تعرفه‌ای کردن با استفاده از داده‌های آماری ۱۹۸۶-۸۸ و با رعایت ضوابط مذکور به عنوان سطح پایه برای اجرای تعهدات کاهش‌ی مربوط به دسترسی به بازار از سال ۱۹۹۵ در نظر گرفته می‌شدند.

هرچند در پیوست ضمیمه شماره ۵ موافقت‌نامه کشاورزی، اصول محاسبه معادل تعرفه‌ای و تفاوت بین قیمت داخلی و جهانی به عنوان معیار تعیین معادل تعرفه‌ای مشخص و تعریف شده است، اما گروه مذاکره‌کننده در خصوص دسترسی به بازار در ضمیمه شماره ۳ سند امضاء شده در آوریل ۱۹۹۳، روش محاسبه را با تفصیل بیشتری شرح داده و فرمول زیر را برای محاسبه معادل تعرفه‌ای ارائه کرده است:

$$T_s = P_d - (P_w \times e) \quad (1)$$

که در آن، T_s معادل تعرفه ویژه^۱، P_d قیمت عمده‌فروشی محصول در داخل کشور واردکننده، P_w قیمت سیف^۲ کشور واردکننده یا قیمت فوب^۱ کشور صادرکننده عمده‌به‌همراه هزینه حمل‌ونقل و بیمه و e نرخ ارز آزاد است.

1. Specific Tariff

2. Cost Insurance and Freight (C. I. F.) به اضافه هزینه بیمه و حمل

سامنر در مقاله‌ای ضمن مروری بر مفاد موافقت‌نامه کشاورزی، به شیوه تعیین معادل تعرفه‌ای اشاره کرده و نوشته است: ... با این همه، تعرفه‌ای کردن - حداقل در عمل - نه شفاف است و نه آسان، زیرا دسترسی به قیمت‌های داخلی و قیمت‌های مرجع خارجی وجود ندارد. کیفیت‌های متفاوت، شیوه‌های گوناگون طبقه‌بندی و دسته‌بندی کالا نیز این مشکل را مضاعف می‌سازد. او سپس فرمول زیر را برای معادل تعرفه‌ای ارائه می‌کند:

$$T_{ad} = [(P_d - P_w \times e) / (P_w \times e)] \times 100 \quad (۲)$$

که در آن: T_{ad} معادل تعرفه ارزشی^۱؛ P_d قیمت عمده فروشی محصول در کشور؛ P_w قیمت سیف وارداتی و e نرخ ارز آزاد است.^۲

این‌گونه با دقت زیادی شیوه تعرفه‌ای کردن در دور اروگوئه را مورد بررسی قرار داده و برای محاسبه عملی معادل تعرفه‌ای تلاش می‌کند تا مشکلات فوق را به روش منطقی حل کند. او ضمن تأیید فرمول گات و سامنر برای حل مشکل کیفیت‌های متفاوت، پیشنهاد می‌کند که به جای تفاوت قیمت محصول داخلی و خارجی می‌توان از تفاوت قیمت محصول وارداتی و قیمت سیاهه فروش^۳ آن استفاده کرد.^۴ با این حال در محاسبه معادل تعرفه‌ای برخی از محصولات کشاورزی در ۱۱ کشور صنعتی و ۱۰ کشور در حال توسعه حتی گاه به دلیل عدم دسترسی به قیمت عمده فروشی داخلی اجباراً از قیمت تولیدکننده استفاده شده است. صندوق بین‌المللی پول^۵ همچون ی‌تس (۱۹۹۶) به تفاوت محاسبه معادل تعرفه‌ای بر اساس تعرفه ویژه و تعرفه ارزشی توجه کرده است. از آنجا که ارزش هر واحد کالای صادراتی کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته کمتر است، تعرفه ویژه آن بیشتر از تعرفه ارزشی خواهد بود. این امر می‌تواند مفیدی برای استفاده از شیوه تعرفه‌ای کردن محیلا نه باشد.^۶

1. Free On Board (F. O. B.) تحویل روی کشتی در نقطه بارگیری

2. Ad Valorem Tariff

3. Sumner (1992)

4. Invoice Price

5. Ingco (1996)

6. International Monetary Fund (I. M. F)

7. I. M. F. (1996)

روش ارائه شده برای برآورد معادل تعرفه‌ای در مذاکرات تجاری دور اروگوئه برحسب سطح توسعه کشور و ماهیت موانع وارداتی مورد استفاده آن کشور، متفاوت است. در صورتی که تعرفه مورد استفاده برای کالایی قبل از آغاز دور اروگوئه محدود به سقف معینی بوده، کشور مورد مطالعه موظف است در صورت عدم استفاده از موانع غیر تعرفه‌ای، سطح تعرفه خود را از این حد فراتر نبرد و در صورتی که از چنین موانعی استفاده می‌کند آن را تبدیل به تعرفه نماید. اما در مورد کالاهایی که تعرفه آنها فاقد سقف معینی بوده و موانع غیر تعرفه‌ای نیز در واردات آنها مورد استفاده قرار نمی‌گرفته، کشور مورد مطالعه می‌بایست سطح تعرفه خود را طی یک دوره ۶ ساله به سطح معینی کاهش دهد و در صورتی که از موانع غیر تعرفه‌ای برای واردات این کالا استفاده می‌کرده، آنها را تبدیل به تعرفه کند. در این میان بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌توانند از امتیازاتی چون دوره زمانی و سقف تعرفه‌ای متفاوت با کشورهای توسعه یافته استفاده کنند.^۱

۵. نتایج

در این قسمت از تحقیق، موانع غیر تعرفه‌ای به کار رفته در سیاست تجاری واردات کشاورزی شناسایی شد و آنگاه معادل تعرفه‌ای ۲۰ محصول بر اساس روش تحقیق مورد استفاده در متن موافقت‌نامه و پژوهش‌های انجام شده برای دوره زمانی ۸۰-۱۳۶۸ محاسبه گردید. نتایج حاصل از محاسبات مربوط به معادل تعرفه‌ای موانع تجاری اعم از تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای به دو صورت ویژه و ارزشی (درصد) برای آن محصولات در سالهای ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۰ و کل دوره ۸۱-۱۳۶۸ در جدول (۱) انعکاس یافته است. مهمترین نتایج حاصل از تحقیق، گویای آن است که:

طی دوره مورد مطالعه، انحصار دولت در بازرگانی خارجی (که در اصل ۴۴ قانون اساسی مورد تأیید قرار گرفته) به عنوان یکی از مهمترین موانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر

۱. هر چند اینگکو (Ingco, 1996) تأثیر حداقل دسترسی به گشایش بازار را با توجه به اصل کامله الوداد ناچیز می‌داند، اما لازم است تا سطح حداقل دسترسی قبل از تعرفه‌ای کردن مشخص گردد چرا که این مقدار بعد از تعرفه‌ای کردن به عنوان حداقل مقدار قابل قبول مورد توجه قرار می‌گیرد.

واردات برخی از محصولات اساسی غذایی محسوب می‌شود. برای ورود کلیه محصولات کشاورزی، مانع غیرتعرفه‌ای "سه‌میه ارزی واردات" در قالب اخذ مجوزها از وزارتخانه‌های ذیربط اعمال می‌شود. البته طی سالهای برنامه سوم از مجوزهای سه‌گانه و دوگانه کاسته شده و اما واردات این کالاها منوط به اخذ مجوز از وزارت بازرگانی است. موانع غیرتعرفه‌ای متعددی برای قسمت‌ها، فصول و محصولات کشاورزی شناسایی شده که می‌توان به مواردی نظیر واردات منوط به خرید داخلی، محدودیت در زمان ورود، واردات در مقابل صادرات، تخصیص ارز با نرخ‌های متفاوت، بررسی قیمت، اعمال محدودیت در نوع بسته‌بندی، رفتار تبعیض آمیز، محدودیت ورود از مبادی خاص، محدودیت کیفی، بهداشتی و فنی اشاره کرد.

محاسبه معادل تعرفه‌ای محصولات کشاورزی و مقایسه آن با موانع تعرفه‌ای اسمی اعمال شده نشان می‌دهد که

۱. متوسط سالانه موانع تعرفه‌ای (اعم از حقوق گمرکی و سود بازرگانی) اسمی اعمال شده بر واردات محصولات کشاورزی طی دوره ۸۰-۱۳۶۸ در دامنه بین ۹۳/۰۸ درصد مربوط به فلفل و حداقل صفر درصد مربوط به گندم متغیر بوده است. در این میان، موانع تعرفه‌ای اسمی حدود نیمی از محصولات اعم از گوشت مرغ، کره، پنیر، تخم مرغ، نخود، عدس، پیاز، سیب زمینی، فلفل، شکر و توتون و تنباکو قابل ملاحظه (بیش از ۲۰ درصد) بوده است و در مقابل موانع تعرفه‌ای اسمی اعمال شده بر واردات گوشت گاو و گوسفند، گندم، جو، برنج، روغن سویا و آفتابگردان کمتر از ۱۰ درصد بوده است. با اصلاحات صورت گرفته در موانع غیرتعرفه‌ای به خصوص تجمیع مجوزهای چندگانه در مجوزی واحد، کاسته شدن از تعداد ردیف‌های تعرفه‌ای ممنوع‌الورود، کاهش دامنه فعالیت، انحلال یا ادغام مؤسسات تجاری دولتی (STEs)، کاسته شدن از شکاف نرخ ارز مبنای تعرفه با نرخ ارز بازار آزاد و... . موانع تعرفه‌ای پایین به ارقام مناسب‌تری افزایش یافته‌اند و در مقابل موانع تعرفه‌ای بالا برای برخی از محصولات نظیر توتون و تنباکو، فلفل و چای رو

به کاهش گذاشته است.

۲. معادل تعرفه‌ای موانع تجاری برای کلیه محصولات به استثنای چای در سال ۱۳۶۸، منفی بوده است و بالاترین رقم منفی به روغن آفتابگردان، کره و خامه، فلفل، نخود، پیاز، گوشت مرغ، شکر و گندم تعلق داشته که از تمامی این محصولات مالیات ضمنی (حمایت منفی) بیش از ۶۰ درصد در سال ۱۳۶۸ صورت می‌گرفت. این در شرایطی بوده که طی دوره ۸۰-۱۳۶۸ سیاست تجاری، قیمتی و ارزی مرتبط با کشاورزی منطقی‌تر شده است به نحوی که نتایج حاصل از محاسبه معادل تعرفه‌ای آن محصولات برای سال ۱۳۸۰ گویای آن است که معادل تعرفه‌ای ۱۱ محصول از ۲۰ محصول مثبت، اما همچنان معادل تعرفه‌ای ۹ محصول کشاورزی منفی است و بالاترین رقم منفی معادل تعرفه‌ای به محصولات کره و خامه، سیب زمینی، جو، ذرت دانه‌ای و پنیر تعلق داشته است. بالاترین رقم مثبت معادل تعرفه‌ای به محصولاتی نظیر چای، گوشت گوسفند، برنج نیمه سفید، شکر و عدس تعلق داشته است.

۳. معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای ۲۰ محصول کشاورزی و غذایی مورد بحث برای کل دوره زمانی ۸۰-۱۳۶۸ گویای آن است که از میان ۲۰ محصول تنها از ۶ محصول حمایت تجاری صورت گرفته که از آن میان معادل تعرفه‌ای چای (۵۲)، توتون و تنباکو (۴۹/۸۶)، گوشت گوسفند (۱۹/۴۴)، پیاز (۱۵/۶۹) و فلفل (۱۴/۸) چشمگیر بوده است. از طرف دیگر میانگین معادل تعرفه‌ای ۱۴ محصول از ۲۰ محصول کشاورزی برای کل دوره زمانی ۸۰-۱۳۶۸ منفی بوده است که از بین آنها، معادل تعرفه‌ای ۱۰ محصول شامل کره، ذرت دانه‌ای، جو، گندم سخت، گوشت مرغ، تخم مرغ، پنیر، روغن آفتابگردان، نخود و شکر از ارقام منفی بالایی برخوردار بوده است که طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۶۸ نه تنها از این محصولات حمایت تجاری نشده، بلکه، مالیات ضمنی اخذ شده است. معادل تعرفه‌ای محصولات مورد بحث طی

سالهای ۸۰-۱۳۶۸ بهبود یافته است. معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای ۲۰ محصول کشاورزی و غذایی مورد بحث برای سال ۱۳۸۰ گویای آن است که از میان ۲۰ محصول معادل تعرفه‌ای موانع و محدودیت‌های تجاری برای ۱۱ محصول مثبت (حمایت تجاری) و برای بقیه منفی (مالیات ضمنی) بوده است و در این میان، معادل تعرفه‌ای بسیاری از محصولات کشاورزی بیش از ۵۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. در مورد برخی از محصولات تفاوت معادل تعرفه‌ای در سال ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۶۸ حتی بیش از ۷۵ درصد بهبود یافته که شامل فلفل، گوشت گوسفند، شکر، چای، روغن آفتابگردان، برنج نیمه سفید و عدس می‌شود. در این مدت تنها معادل تعرفه‌ای سیب زمینی به میزان ۱۳/۳۷ درصد رو به کاهش داشته است.

۴. از مقایسه معادل تعرفه‌ای موانع تجاری با موانع تعرفه‌ای اسمی اعمال شده بر واردات ۲۰ محصول کشاورزی نتیجه می‌شود که هر دو ابزار سیاست تجاری طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۶۸ منطقی‌تر شده است، اما نرخ‌های معادل تعرفه‌ای موانع تجاری محاسبه شده هماهنگی منطقی با کل موانع تعرفه‌ای اسمی (جمع حقوق گمرکی و سود بازرگانی) نداشته است.^۱ در واقع موانع تعرفه‌ای اسمی بالا برای محصولات کشاورزی گویای معادل تعرفه‌ای بالا برای آن محصولات نیست؛ چراکه که در این میان، موانع غیر تعرفه‌ای بخصوص واردات توسط مؤسسات تجاری دولتی، ممنوعیت‌ها، نرخ ارز استفاده شده در مبنای موانع تعرفه‌ای، معافیت‌های تعرفه‌ای، مداخلات دولت در بازار داخلی محصولات کشاورزی و... این تطابق و سازگاری بین دو نرخ فوق را

۱. برای نمونه با وجود آنکه برای محصولات کشاورزی نظیر گوشت مرغ، کره، پنیر، نخود، پیاز و سیب‌زمینی موانع تعرفه‌ای اسمی بیش از ۴۰ درصد در سال ۱۳۸۰ اعمال شده ولی معادل تعرفه‌ای تمامی محصولات فوق منفی است، برعکس با وجود آنکه معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای محصولاتی نظیر گوشت گوسفند، چای، فلفل و برنج بیش از ۵۰ درصد بوده، اما موانع تعرفه‌ای اسمی اعمال شده بر آنها زیر ۴۰ درصد بوده است. این مقایسه برای کل دوره زمانی ۸۰-۱۳۶۸ نیز موضوعیت دارد.

به شدت تحت الشعاع قرار داده است. مطابق نتایج بدست آمده از تحقیق با حذف موانع تجاری غیر تعرفه‌ای پیشنهاد می‌شود که: برای محصولاتی که معادل تعرفه‌ای مثبت و بیش از کل موانع تعرفه‌ای (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) اسمی است، نرخ تعرفه وارداتی برای این محصولات، همان نرخ تعرفه معادل محاسباتی است که برای واردات گوشت گاو (۹/۹ درصد)،
 گوشت گوسفند (۸۲/۲۱ درصد)، عدس (۲۹/۲ درصد)، چای (۸۴/۴۶ درصد)، فلفل (۱۰۳ درصد)، برنج نیمه سفید (۵۱ درصد) و روغن سویا (۱۵/۹۲ درصد) است. همچنین برای محصولاتی که معادل تعرفه‌ای مثبت و اما کمتر از کل موانع تعرفه‌ای (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) اسمی است که در واقع برای این محصولات موانع تجاری غیر تعرفه‌ای نقش حمایتی نداشته است. نرخ تعرفه وارداتی برای این محصولات، همان نرخ تعرفه گمرکی (جمع حقوق گمرکی و سود بازرگانی) است. و بالاخره، نرخ تعرفه پیشنهادی برای محصولاتی که معادل تعرفه‌ای آنها منفی و اما دارای موانع تعرفه‌ای اسمی هستند، همان جمع حقوق و سود بازرگانی اعمال شده می‌تواند مبنای قرار گیرد.

۵. برای محصولات کشاورزی مبادله‌ای وارداتی^۱، حقوق گمرکی و سود بازرگانی رقم چشمگیری نبوده است بلکه مهمترین محدودیت تجاری در مورد آنها موانع غیر تعرفه‌ای نظیر سهمیه‌بندی واردات، مجوزهای وارداتی و مؤسسات تجاری دولتی واردکننده و نرخ ارز چند گانه بوده است.

۱. اطلاعات آماری مربوط به واردات نیز نشان می‌دهد که بخش مهمی از مصرف بسیاری از محصولات فوق از واردات تأمین می‌شود. طی سالهای ۸۰-۱۳۶۸ متوسط میزان واردات محصولات کشاورزی شامل گندم (۱۴۳۸/۸)، ذرت دانه‌ای (۱۱۳۲/۱)، برنج (۷۸۴/۶)، شکر (۸۱۵/۶)، روغن سویا (۵۴۰/۵) و جو (۴۸۲) هزارتن بوده که نشان می‌دهد سهم مهمی از عرضه داخلی از محل واردات فراهم شده است.

جدول شماره ۱- میزان دسترسی به بازار داخلی، موانع تعرفه‌ای اسمی، معادل تعرفه‌ای ویژه و ارزشی ۲۰ محصول کشاورزی طی سالهای ۸۰-۱۳۶۸

دسترسی به بازار داخلی (هزار تن)					کل موانع تعرفه‌ای					BTN	HS	شرح کالا
۱۳۸۰	۱۳۶۸-۸۰	حداکثر	حداقل	۱۳۶۸	۱۳۸۰	۱۳۶۸-۸۰	حداکثر	حداقل	۱۳۶۸			
۳۰/۱۸	۲۸/۱۲	۵۲/۲	۰	۴/۹۴	۵	۰/۷۷	۵	۰	۰	۰۲۰۱ب	۰۲۰۲/۳۰	گوشت گاو
۰	۲۷/۱۴	۱۴۳/۷۷	۰	۴۸/۷۲	۵	۰/۷۷	۵	۰	۰	۰۲۰۱ج	۰۲۰۴/۴۱	گوشت گوسفند
۰	۱۵/۰۶۸	۲۷/۸۲	۰	۱۷/۲۵	۲۵	۴۱/۱۵	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۰۲۰۲	۰۲۰۷/۲۱	گوشت مرغ
۸/۸۹	۱۴/۲۴	۲۵/۹۹	۰	۰/۰	۱۳۵	۵۵/۷۷	۱۳۵	۱۰	۵۰	۰۴۰۳الف	۰۴۰۵/۲۰	کره و خامه
۰	۲۲/۳۰۴	۹۲/۴۴	۰	۰/۰	۹۰	۳۴/۲۳	۹۰	۰	۳۰	۰۴۰۴الف	۰۴۰۶/۲۰	پنیر و سایر مواد لبنی
۰/۰۳۵	۰/۰۲۵	۰/۱۰۸	۰	۰/۰۱۶	۵۵	۲۱/۹۲	۵۵	۰	۰	۰۴۰۵الف۳	۰۴۰۷/۱۰	تخم مرغ
۰/۱۶۳	۰/۷۹	۴/۵۲	۰	۰/۰۶۹	۴۰	۲۳/۰۸	۴۰	۱۰	۳	۰۷۰۵د	۰۷۱۳/۴۰	نخود
۲/۴۸	۲/۹۹	۱۳/۸۵	۰	۰/۶۶	۲۵	۱۹/۶۲	۳۰	۱۰	۳	۰۷۰۵د	۰۷۱۳/۴۰	عدس
---	---	---	---	---	۸۰	۴۰/۷۷	۸۰	۱۵	۵	۰۵۴/۱الف	۰۷۰۳/۱۰	پیاز
---	---	---	---	---	۸۵	۴۳/۰۸	۸۵	۱۵	۵	۰۵۴/۵۱الف	۰۷۱۰/۱۰	سیب زمینی
۸/۲۹	۲۱/۴۷	۹۲/۸۹	۰/۶۱۵	۱۲/۸	۱۵	۱۸/۰۸	۴۰	۵	۴۰	۰۹۰۲الف	۰۹۰۲/۴۰	چای
۲۰/۰۳۸	۰/۱۳	۰/۴۷	۰	۰/۱	۴۰	۹۳/۰۸	۲۵۰	۱۵	۲۵۰	۰۹۰۴الف	۰۹۰۴/۲۰	فلفل
۶۷۷۱/۱	۴۱۳۸/۸	۶۷۷۱/۱	۱۸۵۶/۸	۵۱۷۹/۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰۱الف	۱۰۰۱/۱۰	گندم سخت
۹۲۴/۳	۴۸۲/۶	۱۰۴۹/۷	۱۱۰/۴	۷۴۳/۴	۷	۷/۶۲	۱۰	۵	۱۰	۱۰۰۳	۱۰۰۳/۰۰	جو
۱۷۱۱/۷	۱۱۳۲/۱	۱۷۱۱/۷	۷۶۷/۶	۱۰۶۴/۳	۰	۳/۰۸	۱۰	۰	۱۰	۱۰۰۵	۱۰۰۵/۱۰	ذرت دانه‌ای
۶۹۸/۹	۷۸۴/۶	۱۱۶۷/۲	۲۹۳/۹	۸۷۳/۵	۱۲	۸/۱۵	۱۲	۵	۱۰	۱۰۰۶ب	۱۰۰۶/۳۰	برنج نیمه سفید
۸۰۷/۶	۵۴۰/۵	۸۳/۷	۱۹۶/۰۱	۷۱۸/۷	۰	۶/۱۵	۲۰	۰	۲۰	۱۵۰۷الف	۱۵۰۷/۱۰	روغن سویا
۵۸/۲۳	۱۶۲/۸۶	۴۶۸/۷۵	۵/۳۵	۵/۳۵	۰	۶/۱۵	۲۰	۰	۲۰	۱۵۰۷هـ	۱۵۱۲/۱۱	روغن آفتابگردان
۹۳۶/۷	۸۱۵/۶	۱۳۳۳/۸	۴۱۵/۸	۴۷۷/۸	۱۰۰	۱۵/۳۸	۱۰۰	۰	۲۵	۱۷۰۲ب۱		شکر
۲/۱۸	۶/۴۹	۳۷/۸	۰	۱۱/۵	۱۵	۸۱/۹۲	۲۴۰	۱۰	۲۴۰	۲۴۰۲ب	۲۴۰۱/۲۰	توتون

تفاوت در معادل تعرفه ۱۳۸۰ تا ۱۳۶۸	معادل تعرفه‌ای ارزی (درصد)					معادل تعرفه‌ای ویژه (ریال / کیلوگرم)					شرح کالا
	۱۳۸۰	۱۳۶۸-۸۰	حداکثر	حداقل	۱۳۶۸	۱۳۸۰	۱۳۶۸-۸۰	حداکثر	حداقل	۱۳۶۸	
۵۷/۵	۹/۹	-۱۱/۲۶	۱۸/۷	-۴۷/۶	-۴۷/۶	۱۶۹۲/۴	۱۶۱۹/۷	۱۶۹۲/۴	-۵۰/۱۵	-۱۴۵۹	گوشت گاو
۱۲۵/۷۴	۸۲/۲۱	۱۹/۴۴	۸۲/۲۱	-۴۳/۵۳	-۴۳/۵۳	۱۰۲۹۰/۹	-۱۳۱۶/۱	۱۰۲۹۰/۹	-۱۱۳۱/۴	-۱۰۴۲/۹	گوشت گوسفند
۵۳/۳۱	-۷/۲۹	-۳۱/۴	۲۶/۶	-۷۴/۸	-۶۰/۶	-۸۱۷/۱۳	-۵۷۴۲/۵	۲۱۴۷/۶	-۳۰۶۷/۶	-۱۰۸۸/۹	گوشت مرغ
۱۵/۰۶	-۵۵/۳۱	-۶۵/۸۷	-۵۵/۳	-۷۴/۱۷	-۷۰/۳۷	-۸۲۷۶	۳۰۰۶/۲	-۱۸۴۳	-۱۱۳۷۰	-۱۸۴۳	کره و خامه
۳۶/۲۲	-۱۳/۷۸	-۳۶/۹۶	-۱۳/۷۸	-۵۵/۶	-۵۰	-۳۱۱۲/۹	۱۰۹۴/۵	-۹۴۵/۵	-۷۶۰۶/۳	-۱۱۵۰/۳	پنیر و سایر مواد لبنی
۵۱/۱۷	۳/۰۰	-۳۸/۵۸	۳	-۷۰/۱۴	-۴۹/۱۷	۱۱۸/۳۵	-۶۶۳	۱۱۸/۳۵	۲۴۵۹/۸	-۴۵۸/۱	تخم مرغ
۵۲/۷۳	-۸/۲۷	-۲۹/۳	۶۳/۳۱	-۶۹/۵	-۶۱	-۳۳۹	۲۹۴/۶	۲۵۲۸/۸	-۲۳۶۰/۷	-۹۷۷/۴	نخود
۷۸/۸	۲۹/۲	-۰/۴۶	۶۵/۶	-۴۹/۶	-۴۹/۶	۸۸۸/۱	۷۵/۲۴	۱۵۶۹/۹	-۴۲۸/۲	-۴۲۸/۲	عدس
۶۰/۵۱	-۰/۲۴	۱۵/۶۹	۱۳۶/۴۴	-۶۰/۷۵	-۶۰/۷۵	-۱/۸۸	-۲۷/۱	۶۴۰/۱	-۱۸۴/۸	-۱۶۱/۵	پیاز
۱۳/۳۷	-۴۸/۷۷	۳/۷۴	۱۷۳/۲	-۴۸/۸	-۳۵/۴	-۶۸۴	۸۷۵/۳	۳۶۶/۵	-۶۸۴	-۵۳/۶	سیب زمینی
۸۱/۲۲	۸۴/۴۶	۵۲	۱۷۵/۸۸	-۳۷/۸۸	۳/۲۴	۴۴۵۴/۸	۲۸۳۳/۷	۴۴۵۴/۸	-۲۳۵۲	۲۵/۱	چای
۱۶۸/۱	۱۰۳	۱۴/۸	۱۰۳	-۶۵/۱	-۶۵/۱	۱۷۰۳۳/۶	-۲۵۲/۹	۱۷۰۳۳/۶	-۵۱۲۱/۵	-۳۲۶/۲	فلفل
۵۶/۰۱	-۳/۸۹	-۳۷/۸۵	-۳/۸۹	-۶۵/۶۸	-۵۹/۹	-۴۲/۶	-۲۳۲/۷	-۸/۹	-۷۸۴/۶	-۱۵۲/۳	گندم سخت
۲۸/۱	-۲۰/۱	-۴۰/۶۵	-۱۲/۲	-۶۵/۷	-۴۸/۲	-۲۳۳/۱	-۲۷۰/۵	-۴۶/۴	-۵۱۶/۱	-۹۰/۹	جو
۸/۷	-۱۶/۵	-۴۲/۶	-۱۶/۵	-۶۵/۱	-۲۵/۲	-۱۷۷/۱	-۵/۳۵	-۳۷/۲	-۶۴۷/۹	-۳۷/۲	ذرت دانه‌ای
۷۹/۵۵	۵۱/۰۰	-۷/۲۸	۵۰/۹۶	-۶۱/۰۵	-۲۸/۵۵	۱۱۱۰/۱۵	-۴۰۷/۷	۱۱۱۰/۲	-۹۶۰/۷۷	-۱۷۱/۹	برنج نیمه سفید
۴۲/۰۲	۱۵/۹۲	-۲۴/۴۵	۲۶/۱۱	-۵۶/۰۳	-۲۶/۱	۴۸۲/۶	-۷۵۶/۴	۷۸۶/۳	-۱۸۴۹/۴	-۱۲۰/۷	روغن سویا
۸۰/۰۱	۲/۶۱	-۳۴/۰۹	۸/۰۴	-۷۷/۴	-۷۷/۴	۸۹/۴۷	-۲۴۱	۲۸۲/۵	-۱۵۴۳/۴	-۱۱۷۲/۶	روغن آفتابگردان
۹۱/۵	۳۱/۲	-۲۷/۴	۳۱/۲	-۶۰/۳	-۶۰/۳	۵۷۵/۲	-۱۸۵/۸	۳۹۰۹/۹	-۹۶۲/۳	-۳۳۵/۷	شکر
۲۱/۸۶	۱۲/۲۶	۴۹/۸۶	۳۱۵/۳	-۵۳/۲۵	-۹/۶	۹۱۶/۹			-۹۸۱۳/۵	-۱۱۸/۸	توتون

مأخذ: نتایج حاصل از تحقیق

نکته شایان توجه اینکه موانع غیر تعرفه‌ای فوق محدودیت هزینه‌ای برای واردات آن محصولات محسوب نشده و برای اغلب آن محصولات معادل تعرفه‌ای موانع و محدودیت‌های تجاری، رقم منفی بوده است. به منظور منطقی شدن سیاست تجاری، حذف کلیه محدودیت‌های تجاری غیر تعرفه‌ای حمایتی، الزامی است، منتهی به شرطی که ۳ مؤلفه کلیدی معادل تعرفه‌ای (شامل سیاست قیمتی، ارزی و تجاری) به نحوی باشد که حتی المقدور حمایت مرزی مناسب از محصولات کشاورزی مبادله‌ای جانشینی واردات صورت گرفته باشد و در غیر این صورت، برآیند آن سه سیاست مالیات ضمنی از تولیدات کشاورزی محسوب شود.

جمع‌بندی و ملاحظات

نتایج تحقیق نشان می‌دهد سیر تحولات سیاست تجاری طی سالهای ۸۱-۱۳۶۸ گویای آن است که اصلاحات در سیاست تجاری کشاورزی ایران در دو برنامه اول و دوم توسعه تدریجی و بسیار کند و اما در برنامه سوم توسعه اصلاحات مناسبی در سیاست تجاری کشاورزی ایران صورت پذیرفته است. کلیه موانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات محصولات کشاورزی را می‌توان به دو قسمت از موانع غیر تعرفه‌ای موجه منطقی و غیر موجه مشمول حذف دسته‌بندی نمود. موانع غیر تعرفه‌ای غیر موجه تحت شمول حذف را در تجارت خارجی کشاورزی ایران به مواردی نظیر مجوزها، ممنوعیت‌ها، واردات منوط به خرید داخلی، واردات در مقابل صادرات، تخصیص ارز با نرخ‌های متفاوت، بررسی قیمت، نوع بسته‌بندی، رفتار تبعیض آمیز، زمان و محل ورود و... مصداق دانست و حال آنکه موانع غیر تعرفه‌ای موجه منطقی به مواردی نظیر محدودیت کیفی، بهداشتی، قرنطینه‌ای، زیست محیطی، فنی و... اشاره کرد. در یک نتیجه‌گیری کلی موانع غیر تعرفه‌ای بر محصولات کشاورزی ایران در ظاهر با هدف حمایت از تولیدات داخلی اعمال می‌شود، اما اساساً نه تنها حمایت تجاری معنی‌داری از تولیدات داخلی نبوده بلکه مالیات پنهانی نیز محسوب می‌شود؛ چراکه برای مثال در سال ۱۳۸۰، معادل تعرفه‌ای اغلب محصولات (به استثناء گوشت گوسفند، عدس، چای، فلفل، برنج، شکر، روغن سویا و توتون) بسیار

نازل و حتی منفی است، در این میان برای محصولاتی نظیر گوشت مرغ، کره، پنیر، نخود، سیب زمینی، جو و ذرت دانه‌ای مالیات پنهان قابل ملاحظه‌ای نیز اعمال شده است که این امر خود حکایت از سیاست تجاری غیرحمایتی کشور از محصولات کشاورزی دارد. بدین ترتیب با توجه به تعدد و تنوع موانع غیرتعرفه‌ای، استفاده حمایتی مناسبی از کشاورزی صورت نگرفته است.

تحلیل روند سیاست تجاری کشاورزی ایران طی سالهای (۸۰-۱۳۶۸)، گویای آن است که سیاست تجاری کشاورزی ایران مناسب‌تر شده و حمایت تجاری منطقی از محصولات کشاورزی فراهم آمده است (چرا که معادل‌های تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای محاسبه شده برای محصولات کشاورزی طی دوره (۸۰-۱۳۶۸) بهبود چشمگیری مشاهده می‌شود که حکایت از حمایت‌گرایی تجاری مناسب‌تر (از طریق اصلاح مبنای تعرفه گمرکی (حقوق گمرکی و سود بازرگانی)، کاستن از تعدد مجوزهای وارداتی و کالاهای ممنوع‌الورود و انحلال یا ادغام مؤسسات تجاری دولتی) دارد.

در بهبود و منطقی شدن سیاست تجاری کشاورزی، متغیرهای زیر تأثیر مستقیم و مثبتی داشته‌اند: اول اینکه قیمت نسبی عمده فروشی داخلی یا قیمت تضمینی برخی محصولات رو به افزایش گذاشته و متعاقب آن، معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای واردات آن محصولات نیز افزایش یافته است؛ دوم اینکه، رابطه‌ای معکوس بین قیمت سیف وارداتی به دلار و معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای آن محصول وجود دارد. به عبارتی با کاهش قیمت سیف وارداتی، معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای آن محصولات رو به بهبود گذاشته است؛ و بالاخره متعاقب گران‌تر شدن ارز، معادل تعرفه‌ای ارزشی (به درصد) نیز رو به نقصان گذاشته است. بدین ترتیب به منظور اصلاح و کارآمدتر کردن سیاست تجاری کشاورزی ایران، هماهنگی دیگر سیاست‌های کلان و کشاورزی بویژه سیاست ارزی و قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی با آن اجتناب ناپذیر است. با توجه به یافته‌های پژوهشی فوق، توصیه‌ها و پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

الف - با بررسی روند حمایت از کشاورزی در کشورها، شاهد تحولاتی در نوع حمایت‌ها هستیم و عمدتاً از حمایت‌های نوع بد (که شامل تعهدات کاهش می‌شوند) به

حمایت‌های نوع خوب (که معاف از تعهدات کاهش‌ی هستند) گرایش پیدا می‌کنند. بر این اساس لازم است در عرصه حمایت از بخش کشاورزی در کشور نیز چنین ملاحظاتی مدنظر قرار گیرد و توجه بیشتری به حمایت‌های جعبه سبز صورت گیرد. در این صورت حتی می‌توان با افزایش حمایت از کشاورزی عملاً از دامنه تعهدات کشور در صورت الحاق به WTO کاست.

ب - مطابق نتایج بدست آمده از تحقیق با حذف موانع تجاری غیر تعرفه‌ای پیشنهاد می‌شود، برای محصولاتی که معادل تعرفه‌ای کلیه محدودیت‌های تجاری مثبت و بیش از کل موانع تعرفه‌ای (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) است، نرخ تعرفه وارداتی برای این محصولات همان نرخ تعرفه معادل محاسباتی است. نرخ تعرفه برای محصولاتی که معادل تعرفه‌ای مثبت و اما کمتر از کل موانع تعرفه‌ای (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) اسمی است. نرخ تعرفه وارداتی برای این محصولات، همان نرخ تعرفه گمرکی (جمع حقوق گمرکی و سود بازرگانی) است و بالاخره اینکه، نرخ تعرفه برای محصولاتی که معادل تعرفه‌ای آنها منفی و اما دارای موانع تعرفه‌ای اسمی هستند، همان جمع حقوق و سود بازرگانی اعمال شده می‌تواند مبنای تعرفه قرار گیرد.

ج - گرچه نگاه سیاستگذاران در کشور به بخش کشاورزی نگاه حمایتی است، ولی عملاً مشاهده می‌شود که حمایت‌های تجاری مثبت برای بسیاری از محصولات کشاورزی اعمال نشده است. حداقل اقدام لازم در این زمینه آن است که حمایت تجاری منفی از محصولات کشاورزی را حذف و به حمایت تجاری مثبت تغییر داد.

د - صیانت از منافع بخش کشاورزی در دنیای امروز محدود به یک یا دو نوع ابزار سیاست حمایتی نیست بلکه ابزارهای مختلفی برای حمایت و حفاظت از بخش کشاورزی وجود دارند، اما در کشاورزی کشور کمتر با این ابزارها مواجه هستیم. در دنیای فعلی در کنار آزادسازی‌های تجاری موضوع حفاظت‌ها مطرح شده است و در قالب قوانین و اقدامات حفاظتی و قوانین و اقدامات ضد دامپینگ خود را نمایان کرده است. این در حالی است که در عرصه داخلی اقدام ثمربخشی در این زمینه‌ها صورت نگرفته است. پیشنهاد می‌گردد اقدامات حفاظتی و ضد دامپینگ به صورت جدی در کشاورزی و در نظام

تجاری کشور پیگیری شوند.

ه- در نهایت لازم است سیاست تجاری کشاورزی کشور ضمن راهبردی متوازن از حفظ حمایت‌های توسعه‌ای و منطقی لازم از تولید محصولات غذایی حساس (استراتژیک) از شیوه‌های اقتصادی تولید از جمله کاهش هزینه‌های تولید، بهبود کیفیت تولیدات، رعایت استانداردهای بین‌المللی، روزآمد نمودن فناوری در فرآیند تولید محصولات کشاورزی و صنایع تکمیلی آن و... اهتمام ویژه‌ای به عمل آورد.

منابع

۱. آرام، غلامحسین (۱۳۷۸)؛ فرهنگ گمرک و تجارت، نشر قبله (شرکت چاپ و نشر بازرگانی)، چاپ اول، تهران.
۲. اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی (۸۱-۱۳۶۸)، مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن (براساس سیستم هماهنگ شده توصیف و کد گذاری‌های کالا)، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
۳. بانک مرکزی (۷۹-۱۳۵۳)؛ گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، سالهای ۸۰-۱۳۶۷.
۴. پورمقیم، جواد (۱۳۶۹)؛ تجارت بین‌الملل: نظریه و سیاست‌های بازرگانی، چاپ اول، تهران، نشرنی.
۵. حسینی، میرعبدا. . . (۱۳۷۵)؛ تأثیر سیاست‌های ارزی و تجاری بر انگیزش نسبی تولیدات کشاورزی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۷۵، تهران.
۶. رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۷۴)؛ روابط تجاری بین‌المللی معاصر، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۷. ژیان، کارلوگاندولفو (۱۳۸۰)؛ تجارت بین‌الملل، مترجمان: تقوی، مهدی و تیمور محمدی، پژوهشکده امور اقتصادی، تهران.
۸. سالواتوره، دومینیک (۱۳۸۰)؛ نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل، مترجم: حمیدرضا ارباب، نشرنی چاپ دوم. تهران.
۹. کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD) و سازمان جهانی تجارت (WTO)، راهنمای تجاری دور اردوگونه (۱۳۷۵)؛ "موافقت‌نامه راجع به کشاورزی"، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۱۰. کمیجانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۰)؛ مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
۱۱. گمرک ایران (۸۰-۱۳۶۸)؛ سالنامه بازرگانی خارجی ایران، تهران.

۱۲. نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۷۲)؛ سیاست بازرگانی و قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه و ایران: عملکرد گذشته و گرایش جدید، دومین سمپوزیوم سیاست کشاورزی ایران، دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.

13. APEC (1999); **Definition of Non-Tariff Measures**, Sec 4. In: Study of Non – Tariff Measures in the Forest products Sector, pp. 18-20.
14. Arcal, Y. F. d. L. , Meatz, M. (2000); "Trends in World and Agricultural Trade", **Module1, Introduction and General Topics**, 12 Pages.
15. Anania, G. (1997); "Policy choice and independence of country decisions in the implementation of the GATT agreement on agriculture", **Review of Agricultural Economics**, Vol. 24.
16. Anderson, James. E. and Neary, Peter (May 1994); "Measuring the Restrictiveness of Trade Policy", **World Bank Economic Review**, 8(1).
17. Baldwin, R. E. (1970); **Nontariff distortions of international trade**, Washington, The Brookings Institution.
18. Bryan T. Johnson; Kim R. Holmes and Melanie Kirkpatrick. (1999); "Index of Economic Freedom: Executive Summary", **The Heritage Foundation**, Wall Street Journal.
19. Chambers, R. G. and D. H. Pick (1994); "Marketing orders as nontariff trade barriers", **American Journal of Agricultural Economics**, Vol. 76.
20. Caballero, J. M., Calegar, G., and Cappi, C., (2000); "Instruments of protected and their economic impact", **Module 3. Introduction and General Topics**, 21 pages.
21. Deardorff, A. V. (April 1999); "Non- Tariffs Barriers and Domestic Regulation", pp. 1-27, **A lecture at the World Bank**.
22. Dixit, P. M, Josling, T. (1997); "Trading in Agriculture: an analytical Framework", **International Trade Research Consortium**, <http://www.UMN.edu/iatric>, 30 pages.
23. Elamin, X/. H. (2000); "Market Access: Tariffs and other Access Terms", **Module 4, Agreement on Agriculture**, 13 Pages.

24. **GATT** (1993); "Modalities for the establishment of specific binding Commitments under the Reform Programme", MTN.GNG/MA/W/24, 20 December 1993.
25. Gwartney, J. Lawson, R. (2001); **Economic Freedom of the world**, Draft, Non for Quotation. Chp 1. Annual Reports, 20 Pages.
26. <http://www.worldbank.org> or <http://www.worldbank.org/Wdi2000>
27. <http://apps.aoim500/rap.pl?FoodBalancesheet&domain=FoodBalanceSheet>
28. Hillman, J. S. (1996); "Nontariff Agricultural Trade Barriers Revisited", **International Agricultural Trade Research Consortium**, WP 96-2, PP:1-52.
29. Ingco, M. D., (2001); "Tariffication in The Uruguay Round: How much liberalization?", **World Economy**, Vol. 19.
30. Krueger, Anne (1978); **Foreign Trade Regimes and Economic Development**, Cambridge, MA: Ballinger.
31. Leamer, Edward (1988); "Measures of Openness, in R. Baldwin, ed.", **Trade policy and empirical analysis**, Chicago: University of Chicago press.
32. Low, P. and Yeats, A. (1995); "Nontariff Measures and Developing Countries; has The Uruguay Round Leveled the playing field?", **World Economy**, Vol. 18, No. 1.
33. Miltiades choliades (1990); **International Economics**, Singapore, Mc Grew Hill, Inc.
34. Moschini, G., (July 1991); "Economic issues in tariffication: An Overview", **GATT Research paper**, 90-GATT4, pp.1-27.
35. Pearce, R. and Sharma, R. (2000); "Market Access II: Tariff Rate Quotas", **Module 5. Agreement on Agriculture**, 11 Pages.
36. Schiff, M. & A. Valdes (1992); "A Synthesis of economics in developing countries", **The Political Economy of Agricultural Pricing Policy**, Vol. 4, Baltimore, Md. USA, John Hopkins University Press.
37. Sumner, D. A. (1992); "The economic underpinnings of Uruguay Round proposals", **Improving agricultural trade performance under the GATT** (Wissenschafts verlag vauk kiel KG).
38. World Bank, **World Development Report**, (1999); Oxford University Press,

39. Will, Martin. (October 2001); "Trade Policies, Developing Countries, and Globalization", **Development Research Group World Bank**.
40. Walter, I. (1992); "Non Tariff Protection among Countries: Some preliminary empirical evidence", **Economic International**, Vol. 25 .
41. WTO. (1994); **Agreement on Agriculture**, [www. WTO. org/english/docs-e//egal-e/14-ag. pdf](http://www.WTO.org/english/docs-e//egal-e/14-ag.pdf)